



The principles of designing Islamic centers with the approach of cultural coexistence: A case study in England

Ahmad Ekhlas

Associate Professor, Department of Architecture, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Hamid Mozaffar

Department of Architecture, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Samaneh Taghdir*

Assistant Professor, Department of Architecture, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Received: 2024/07/30

Accepted: 2025/04/28

Abstract

“Islamic centers” are among the most important symbols of the presence of Muslims in non-Muslim countries and hold significant identity value. They also act as cultural representatives of the Muslim community in the eyes of the host society. Therefore, their design is particularly important. This research aims to identify principles for designing Islamic centers that help preserve and strengthen Islamic cultural identity while improving coexistence with host communities.

By reviewing previous studies, the research identified “identity” and “coexistence” as its main concepts. These were examined in relation to Islamic center architecture using a place-based model structured around the three axes of “meaning,” “physical form,” and “activity.” The study focuses on these issues from the perspective of Muslim users; therefore, a questionnaire was used to gain a comprehensive and accurate understanding. Since the researchers intend to design an Islamic center in England, the questionnaire—containing both closed and open questions—was distributed among Muslims living in England to identify their needs, views, and visual preferences. The results were derived through comparative analysis of the questionnaire findings, library studies, and previous research.

The research outcome is presented as a strategic model across the three axes of meaning, physical form, and activity, offering design principles that support both coexistence with the host society and the preservation of Islamic identity. The findings show that incorporating symbols of Islamic values strengthens identity expression, reduces feelings of deprivation, and increases acceptance among Muslim minorities, contributing to reduced cultural tensions and a greater sense of belonging. Using shared visual elements and common values also reduces sensitivities within the host society and improves communication. A convergent approach allows Islamic centers to function as both religious centers for Muslims and cultural centers for the wider society, enhancing the image of Islamic culture. Consequently, identity and coexistence are interconnected, and both must be addressed in the design of Islamic centers.

Keywords:

Islamic Center,
Islamic Architecture,
Cultural Coexistence,
Contextualism,
Islam in the West.

© 2025 by the authors. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license .

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.



Citation: Ekhlas A, Mozaffar H, Taghdir S. (2025). The principles of designing Islamic centers with the approach of cultural coexistence: A case study in England. *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 13 (2): 23-47.

[10.61186/jria.13.2.2](https://doi.org/10.61186/jria.13.2.2)

* *Corresponding Author:* s_taghdir@iust.ac.ir



اصول طراحی مراکز اسلامی با رویکرد همزیستی فرهنگی: بررسی موردی در کشور انگلستان

احمد اخلاصی

گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

حمید مظفر

گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

سمانه تقدیر*

گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۰۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸

چکیده

«مراکز اسلامی» یکی از مهمترین نمادهای حضور مسلمانان در کشورهای غیرمسلمان هستند و اهمیت زیادی از جنبه هویتی دارند. همچنین از طرفی دیگر، این مراکز نماینده فرهنگی جامعه مسلمان در افکار عمومی جامعه میزبان محسوب می‌شوند. لذا چگونگی طراحی آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف این پژوهش دستیابی به اصولی برای طراحی مراکز اسلامی است که منجر به حفظ و تقویت هویت فرهنگ اسلامی و بهبود همزیستی با جوامع میزبان شود. این پژوهش ابتدا با بررسی مطالعات پیشین به شناسایی ابعاد مسئله پرداخت و مشخص شد دو مفهوم «هویت» و «همزیستی» مسئله اصلی در این پژوهش است. سپس مفاهیم «هویت» و «همزیستی» در معماری مراکز اسلامی را بر اساس مدل اجزای مکان در سه محور «معنا»، «فرم فیزیکی»، و «فعالیت» مورد بررسی قرار داد. تمرکز این پژوهش بر بررسی مسئله «هویت» و «همزیستی»، از نگاه کاربران مسلمان است؛ لذا برای دستیابی به دیدگاهی جامع‌تر و دقیق‌تر، از ابزار پرسشنامه استفاده شد. به دلیل اینکه در پی این تحقیق، پژوهشگران درصدد طراحی یک مرکز اسلامی در کشور بریتانیا بودند، پرسشنامه در میان مسلمانان ساکن در انگلستان صورت پذیرفت. این پرسشنامه شامل پرسش‌های بسته و باز است و با هدف شناسایی و بررسی نیازها، دیدگاه‌ها و ترجیحات بصری جامعه مسلمان، انجام گرفت. علاوه بر این مرور جامعی بر نظریات و دیدگاه‌های صاحب‌نظران در مورد ویژگی‌ها و المان‌های مراکز اسلامی و مساجد صورت گرفت. سپس نتیجه‌گیری این تحقیق بر اساس تحلیل تطبیقی نتایج پرسشنامه و نظریات محققین این حوزه بدست آمد. دستورالعمل تحقیق در قالب یک مدل راهبردی در سه محور «معنا»، «فرم فیزیکی»، و «فعالیت» ارائه شده است و اصولی را در هر بخش ارائه می‌کند که کاربر است آن در طراحی می‌تواند به «بهبود همزیستی مراکز اسلامی با جامعه میزبان» و «حفظ هویت اسلامی» مراکز اسلامی کمک کند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که استفاده از نمادها، ارزش‌های اسلامی در طراحی با ایجاد فرصت ابراز هویت، احساس محرومیت را کم، و حس پذیرش در جامعه را در اقلیت مسلمان را بیشتر می‌کند و سبب کاهش تنش‌های فرهنگی و افزایش حس تعلق و نزدیکی بیشتر با فرهنگ ملی کشور میزبان می‌شود. از طرف دیگر، تلاش برای استفاده از المان‌های بصری و ارزش‌های مشترک موجب کاهش حساسیت‌های جامعه میزبان و ارتباط بهتر با جمعیت مسلمان خواهد شد. با بکاربردن یک رویکرد همگرایانه، مراکز اسلامی می‌تواند هم به‌عنوان یک مرکز دینی برای مسلمانان و هم به‌عنوان یک مرکز فرهنگی برای کل جامعه ایفای نقش کنند. این امر خود می‌تواند منجر به تقویت فرهنگ اسلامی و جذابیت و بهبود چهره فرهنگ اسلامی و جامعه مسلمان در افکار عمومی جامعه میزبان شود. در نتیجه «هویت» و «همزیستی» دو مفهوم مستقل از یکدیگر نیستند؛ لذا برای دستیابی به «همزیستی فرهنگی پایدار با جامعه میزبان» در عین «حفظ هویت اسلامی»، در طراحی مراکز اسلامی می‌بایست هر دو جنبه را در نظر داشت.

واژگان کلیدی: مرکز اسلامی، معماری اسلامی، همزیستی فرهنگی، زمینه‌گرایی، اسلام در غرب.

ارجاع به مقاله: اخلاصی احمد، مظفر حمید، تقدیر سمانه (۱۴۰۴). اصول «همزیستی فرهنگی پایدار» در معماری مراکز اسلامی: بررسی موردی در کشور انگلستان.

10.61186/jria.13.2.2

پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۳(۲): ۲۳-۴۷.

S_Taghdir@iust.ac.ir *

مدام تغییر می‌کند و فعالیت‌های جدیدی را پوشش می‌دهند و در طول اعصار گذشته به شکل‌ها، نوع‌ها و گونه‌های متفاوتی با کارکردهای زیادی طراحی و اجرا شده‌اند تا حدی که نمود کالبدی هویتی مسلمانان هستند (Khan 2008; Lotfi 2001).

این دیدگاه طیف وسیعی از تفسیرهای وحدت اسلامی یا فرااسلامی و ارتباط اجتماعی با غیرمسلمانان را نشان می‌دهد. اگرچه محققان معماری در وهله اول به مسئله سنت در مقابل مدرنیته توجه دارند (یا به عبارتی آیا یک مسجد جدید باید خاطره خاصی از کشور خود را به تصویر بکشد یا محیط جدید را در نظر بگیرد)، اما یک موضوع بهتر برای تجزیه و تحلیل نحوه طراحی یک مرکز اسلامی، این است که آیا مرکز اسلامی در کشور میزبان هویت خود را به صورت کاملاً آشکار نشان می‌دهد یا نه. هرچند سال‌هاست از ظهور و ساخت مساجد و مراکز اسلامی در اروپا می‌گذرد، پژوهش درباره چگونگی ساخت این بناها با در نظر گرفتن بعد هویت هنوز مسئله‌ای مهم، جدید، و بحث‌برانگیز است.

با توجه به مباحث مطرح شده، مسئله اصلی در طراحی مراکز اسلامی، نحوه مواجهه و نمود هویت مراکز اسلامی در محیطی با فرهنگی کاملاً متفاوت و کنار هم نشان دادن دو فرهنگ با هدف همزیستی پایدار فرهنگی است. لذا ابتدا به تعریف مفاهیم هویت مکانی در معماری و همزیستی در معماری پرداخته شده است، تا با دستیابی به یک چارچوب نظری برای پژوهش، تحلیل و بررسی این موضوع و انجام پژوهش صورت پذیرد.

۲. چارچوب نظری و مفاهیم

۱-۲. هویت مکانی

«پژشکی» هویت مکانی را مجموعه‌ای از خاطرات، ایده‌ها، احساسات، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، مفاهیم و تجربه‌هایی که به محیط کالبدی زندگی روزمره ما مربوط می‌شود می‌داند (Proshansky 1978). «شولتز» بیان می‌کند که هویت مکان از رخدادها، شکل‌ها، رنگ‌ها، و بافت‌ها خلق می‌شود (Schulz ۱۹۸۰). «استین» در تکمیل این نظریه به ارتباط میان معماری، مکان و هویت فرهنگی معتقد است و می‌گوید تجربه مکان، تجربه معنا و مفهوم مکان است (Steyn 2018). «طاهر طلوع‌دل» از «کالن» نقل می‌کند که برای حفظ هویت مکان‌ها باید از یکنواختی و تشابه پرهیز کرد و شخصیت و ویژگی‌های خاص هر مکان در آن متجلی شود (Cullen 1995؛ طاهر طلوع‌دل و دیگران ۱۳۹۵).

صاحب‌نظران این حوزه درباره رابطه با اجزای تشکیل دهنده

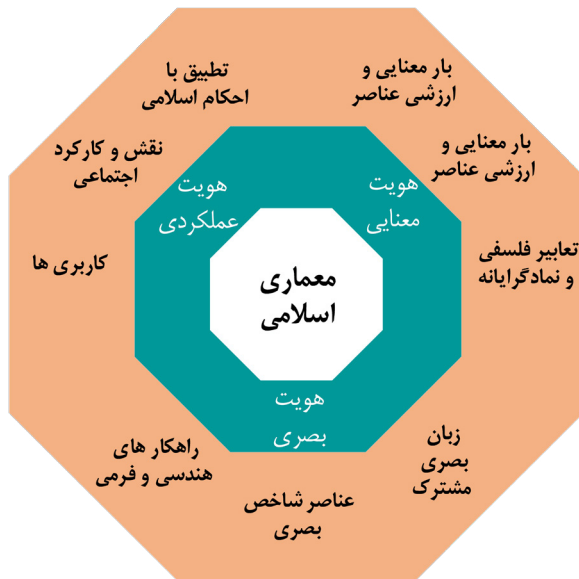
۱. مقدمه

مراکز اسلامی و مساجد یکی از مهمترین فضاهای تعاملی مسلمانان با یکدیگر و نماد حضور مسلمانان در کشورهای غربی است و اهمیت زیادی برای اقلیت مسلمانان دارد (Kahera et al. 2009). این مراکز هم پایگاه اصلی حفظ و تقویت هویتی و معنوی برای مسلمانان در این کشورها هستند و هم نماینده فرهنگی جامعه مسلمان برای افکار عمومی جامعه میزبان. این مراکز علاوه بر مرکزی عبادی-دینی، محلی هم برای تعاملات اجتماعی، آموزش و خدمات اجتماعی، و مناسبت‌های فرهنگی هستند (Farrag 2017).

در اثر افزایش حضور مسلمانان در کشورهای غربی و افزایش حساسیت افکار عمومی نسبت به مساجد در اروپا، موضوع معماری مساجد و مراکز اسلامی به یکی از موضوعات مهم در پژوهش‌های سالیان اخیر در اروپا و آمریکا تبدیل شده است. بررسی جامعه‌شناسی و رفتاری مسلمان ساکن اروپا بعد از پیدایش داعش در اولویت‌های تحقیقی در کشورهایی مانند فرانسه و بلژیک قرار گرفته است (Roy 2017). در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان مانند لندن، واشنگتن، یا پاریس، مسجد یا مرکز اسلامی به عنوان نقطه مرجع مسلمانان در این شهرها فعالیت می‌کند (Kahera et al 2009). بر اساس بررسی‌هایی که صورت گرفته، بسیاری از مراکز اسلامی فاقد جنبه‌های هویتی و معمارانه هستند. منظور از جنبه‌های هویتی معمارانه، سبک معماری اسلامی و ویژگی‌های هویتی و فرهنگی جوامع مسلمان است که در مکتب‌شناسی معماری از دیگر سبک‌ها قابل تمایز است. نظیر استفاده از گنبد، قوس، مناره، محراب، و....

در بعضی از این مراکز علاوه بر اینکه بنا فاقد مولفه‌های هویتی اسلامی است، حتی از شاخصه‌های معماری دیگر مذاهب مانند معماری کلیساها وام گرفته شده و تشخیص این بناها را به عنوان فضایی اسلامی با سختی روبرو می‌کند (Verkaaik 2012). در بعضی از شهرهای اروپایی به طور مشخص دولت‌ها اجازه بروز این سبک از معماری را نمی‌دهند و خود بانیان این مسئله هستند. آنها دلایلی متعددی نظیر «حساسیت جوامع نسبت به گنبد و مناره»، «در چشم بودن»، و «برهم زدن محیط شهر» دارند که در نتیجه راغب به این گونه از طراحی معماری نیستند (Farrag 2017).

معماری و طراحی مراکز اسلامی و مساجد در غرب مبحثی مهم، هدف‌دار و نشانگر وضعیت روابط با جامعه میزبان و همچنین هویت و آرزوهای جامعه مسلمانان است (Biondo III 2006). مساجد و مراکز اسلامی نهادهای پویایی هستند که برای پاسخگویی به شرایط متغیر جوامع،



تصویر ۲. مدل تطبیقی ابعاد هویت معماری اسلامی بر اساس تئوری‌های اجزای مکان و هویت مکان

۲-۲. همزیستی فرهنگی

همزیستی فرهنگی یک پدیده پیچیده است که متضمن تأثیر متقابل پویای فردگرایی و جمع گرایی در جوامع و افراد است (Tamis-LeMonda et al. 2008). این امر مستلزم شناخت تنوع، ترویج مدارا و اجرای استراتژی‌هایی برای تقویت تعاملات مثبت بین گروه‌های مختلف است (Munson and Chetkow-Yanoov 1999). با این حال، دستیابی به همزیستی هماهنگ در جوامع چندفرهنگی به دلیل تمایلات متضاد، از جمله دیدگاه‌های غرب‌محور و ناسیونالیسم بومی، همچنان چالش‌برانگیز است (Tang 2015). واژه‌های تساهل، تسامح، رواداری، و مدارا که در ادبیات امروز برابر نهاد واژه تولریشن به کار می‌روند، تفاوت‌های معنایی دارند. واژه تولریشن^۵ از ریشه لاتین تولرو به معنای تحمل کردن، اجازه دادن و ابقا کردن است. این واژه با مصدر تولو به معنای حمل کردن و اجازه دادن هم خانواده است؛ گویی کسی که تساهل می‌ورزد باری را تحمل یا حمل می‌کند.

در بیانیه اصول مدارا که در طی نشست بیست و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو مورد تصویب دولت‌ها قرار گرفت، مدارا تحت عنوان احترام گذاشتن، پذیرش و ارج نهادن به فرهنگ‌های متنوع پیرامونی و اشکال مختلف آزادی بیان تعریف شده است (Agius & Ambrosewicz 2003).

همزیستی مسالمت‌آمیز، فرایندی است که به موجب آن دو یا چند نفر یا گروه در مجاورت مکانی و با نوعی رابطه متقابل که مبتنی بر کارکردهای معینی است با یکدیگر

مکان و نحوه ادراک و حس فضایی، نظریاتی را ارائه کرده‌اند که تقریباً به صورت مشابهی اجزای مکان و ارتباط میان آنها را تبیین کرده‌اند. آنها اجزای مکان را شامل ۳ بخش قلمداد می‌کنند، است (Canter 1977; Montgomery 1998; Punter 1991; Liu & Freestone 2016).

۱. فرم فیزیکی (ویژگی‌های کالبدی): مقیاس، مرکز گرایی، نفوذپذیری، نشانه‌ها، نسبت فضاها، عرصه‌های عمومی
۲. فعالیت‌ها: سرزندگی فضا، تنوع، فعالیت‌ها و قرارگاه‌های رفتاری
۳. معنی (مفهوم/تصورات ذهنی): نمادگرایی، خاطره‌سازی، خوانایی، ارتباط روحی، شکوه



تصویر ۱. مدل اجزای مکان (مأخذ: Montgomery 1998)

بر اساس آنچه گفته شد در اینجا یک مدل تطبیقی برای تحلیل «هویت مکانی معماری اسلامی» بر اساس مدل اجزای مکان پیشنهاد شد. این مدل بر اساس جنبه‌های مختلف هویت اسلامی و اهداف این تحقیق - یعنی بررسی اثر کالبد بر هویت مکان و امکان تغییر و همخوانی آن با شرایط مختلف (در اینجا قرار گرفتن در یک زمینه غیراسلامی) - هویت اسلامی در سه سطح تحلیل می‌شوند که در قسمت‌های بعد به تفصیل می‌آید:

- هویت عملکردی: نقش مسجد، کاربری‌های مرتبط با آن، کارکرد اجتماعی و تطبیق معماری با احکام اسلامی
- هویت تصویری: زبان تصویری، نظام هندسی، راه‌حل‌های معمارانه و عناصر تشکیل‌دهنده آن
- هویت معنایی: بار معنایی و ارزشی همراه عناصر، تعبیر فلسفی و روانشناسانه در طراحی و نحوه تجلی و ارتباط عناصر با مسائل معنوی

این مدل، مبنای طراحی پرسشنامه و تحلیل جنبه‌های هویتی در بخش روش تحقیق قرار گرفت.

اگر بخواهیم در زمینه معماری و از لحاظ کالبدی به دنبال مفهومی مترادف با کلمه همزیستی بگردیم که به صورت علمی در مورد آن پژوهش انجام گرفته است، با مفهوم «زمینه» برخورد میکنیم. هر چند معمولاً این رویکرد در زمینه طراحی در بافت تاریخی و طراحی ساختمان‌های میان‌افزا مطرح می‌شود و منظور از آن هماهنگی میان معماری قدیم با معماری جدید است، اما چون در مسئله هماهنگی سنت و مدرنیته نیز مسئله اصلی هویت و هماهنگی مطرح است، با کمک اصول و نکاتی که در این زمینه مطرح شده‌اند می‌توان به درک بهتری در از مفهوم همزیستی در طراحی معماری رسید.

«هاینر ویتزل»^۷ مسئله اصلی طراحی را جانمایی هوشمندانه بنا در جامعه ای که موجود است می‌داند. ریشه واژه «زمینه»^۸ در لاتین کلمه «Contextus» است و به معنای در هم تنیدن است. «پروتر»^۹ در معماری زمینه را اتصال و همنشینی بنا با سایر ساختمان‌های موجود تعریف می‌کند (Porter 2004).

«کاپون»^{۱۰} مسئله زمینه در معماری را شامل سه بعد می‌داند (Capon 1999):

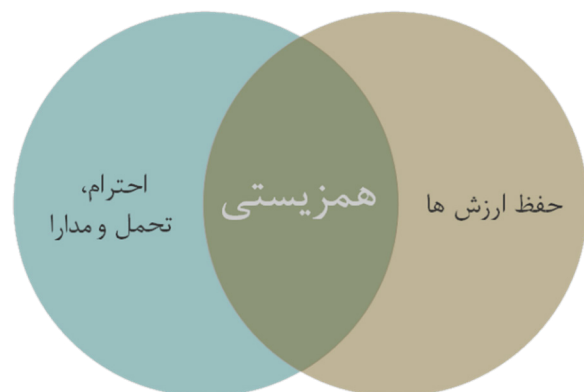
زمینه کالبدی و فرمال^{۱۱}: تصاویر و مناظر شهری و غیرشهری در ارتباط با محیط ساختمان‌های اطراف و بافت محلی

زمینه بصری^{۱۲}: ایجاد حس مکان
زمینه انسانی^{۱۳}: سنت‌های فرهنگی، مانند دیدگاه افراد درباره تزئینات و المان‌ها
«نقوی» و «مظاهریان» با تحلیل آرا و نظرات صاحب‌نظران مختلف در موضوع زمینه‌گرایی، اصول سه‌گانه‌ای را برای رعایت زمینه‌گرایی تبیین می‌کنند که این اصول شامل موارد زیر است (نقوی و مظاهریان ۲۰۱۹):

۱. رویکرد متعادل و متوازن و دوری از افراط و تفریط در شباهت به زمینه
۲. معاصرسازی به معنای توجه همزمان به زمینه تاریخی و زمینه معاصر
۳. حفظ انسجام و یکپارچگی در بعد مکان و در بعد زمان

«چیزگن»^{۱۴} اشاره می‌کند که در زمان حال، روابط مختلفی میان زمینه و اثر شکل گرفته‌اند. وی ضمن نکوهش رویکرد عدم توجه به زمینه و یا تضاد با آن و همچنین رویکرد تشابه محض و تقلید اشاره می‌کند که معماری با رویکرد متعادل (حد وسط میان تضاد و تشابه محض) می‌تواند موفق‌تر عمل کرده و بنای بهتری خلق کند. او می‌گوید در این رویکرد اثر تحت

زیست می‌کنند (ساروخانی ۱۳۸۰). همزیستی به معنای پذیرش عقیده مخالف و ذوب شدن در دیگران، یا کوتاه آمدن از حق و دست کشیدن از آن نیست، بلکه همزیستی یعنی هر کسی با حفظ اصول و ارزش‌های خود، امنیت و صلح پایدار جامعه را پاس دارد و در کنار دیگران از حقوق طبیعی خویش برخوردار باشد (رستم‌نژاد ۱۳۹۰). مهمترین تأکید نظریه کنش متقابل نمادی در همزیستی گروه‌های قومی، جامعه‌پذیری، و اجتماعی شدن است (Forsyth 2018). تکثرگرایی فرهنگی به مسئله نحوه مواجه شدن با ناهمگنی مربوط می‌شود و ضمن تأکید بر به رسمیت شناختن کثرت و تعدد فرهنگ‌ها، مذاهب و نحله‌های فکری موجود در جامعه، احترام گزاردن به حقوق مخالفین در حیطه رفتارهای اجتماعی و تحمل اندیشه‌های متعدد همدیگر را مورد توجه قرار می‌دهد (Siapera 2006). از طرف دیگر اگر اقلیت‌ها احساس کنند که فرهنگ زبان و ارزش‌هایشان مورد تعرض دیگران است گرایش بیشتری به فرهنگ و آداب قومی در آن‌ها ایجاد می‌شود که ممکن است منجر به افراط‌گرایی شود. این محرومیت می‌تواند سبب آسیب به همزیستی و ایجاد تعارض در جامعه شود (قیم ۱۳۸۰).



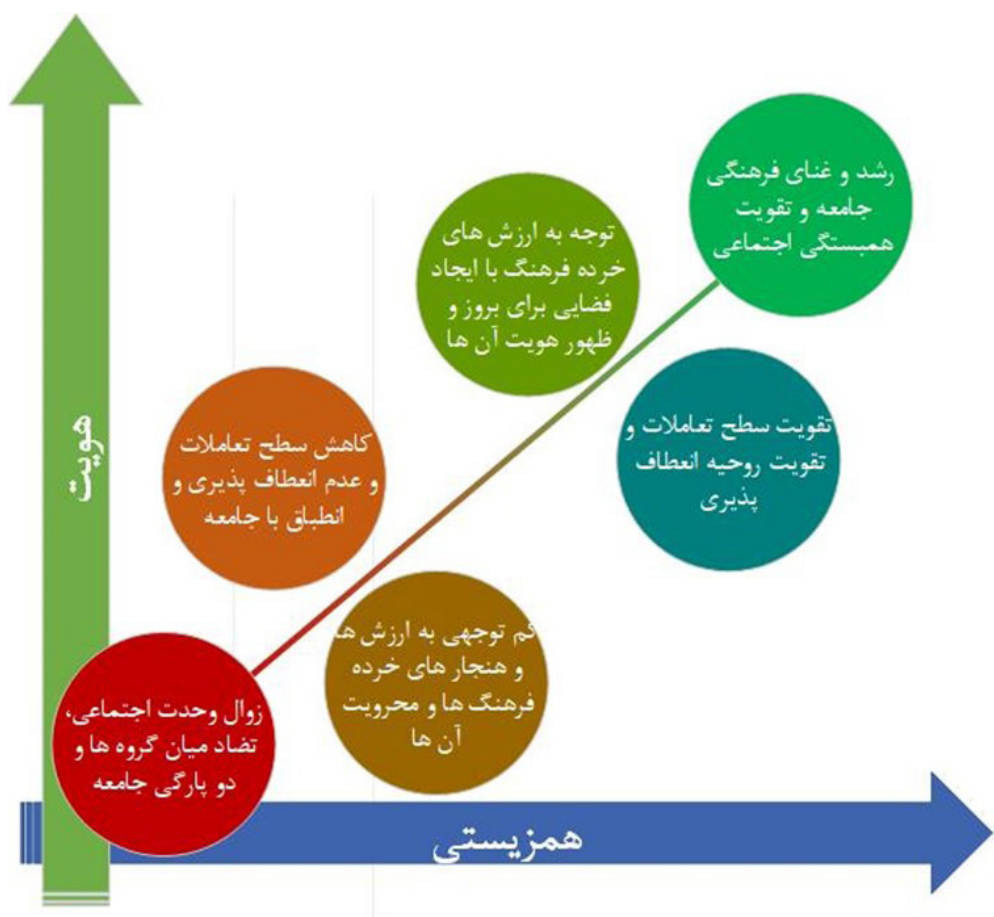
تصویر ۳. ابعاد همزیستی برگرفته از (مأخذ: رستم‌نژاد ۱۳۹۰)

پیتر کینگ^{۱۵} تساهل را بر حسب موضوع به چهار نوع تقسیم می‌کند: ۱. تساهل عقیدتی به معنی تساهل درباره وجود یا بیان یا تبلیغ عقایدی مخالف با عقاید عامل تساهل؛ ۲. تساهل سازمانی یک مرحله پیشرفته‌تر از تساهل عقیدتی است و به معنی شناسایی حق گردهمایی صاحبان عقاید مخالف با عقاید عامل تساهل است؛ ۳. تساهل هویتی یعنی اعمال کردن تساهل در برابر ویژگی‌هایی که اختیاری نیست، مانند ملیت، جنس، نژاد، طبقه، فرهنگ و دارندگان این ویژگی‌ها؛ ۴. تساهل رفتاری مانند تساهل در طرز لباس پوشیدن یا روابط اجتماعی (بهشتی و رستگار ۱۳۹۲).



کیفیت ساختمان‌ها، دسترسی‌ها، امکانات رفاهی و تفریحی، زیبایی، امنیت، آرامش، و... احتمال تقویت دلبستگی ساکنان محله به مکان به طور معنادار وجود دارد که در مجموع به تقویت «پایداری» محله خواهد انجامید (حاتمی‌نژاد و دیگران ۱۳۹۷).

تأثیر زمینه و متناسب با آن شکل می‌گیرد (Çizgen 2012). بعد فیزیکی مکان، به‌عنوان مفر کنش‌های عاطفی، شناختی و رفتاری، یکی از عوامل تقویت‌کننده دلبستگی مکانی، به‌عنوان یکی از انواع پیوندهای مستحکم انسان و مکان است و با تقویت ویژگی‌های کالبدی عینی و ذهنی مکان نظیر وجود فضاهای عمومی، کیفیت و امکانات این فضاها،



تصویر ۴. دیاگرام ارتباط و کنش مفاهیم همیزیستی و هویت (مأخذ: سجودی و دیگران ۱۴۰۳؛ قیم ۱۳۸۰)

۳. روش تحقیق

هدف اصلی این تحقیق رسیدن به مجموعه‌ای از راهکارها و اصول در معماری است که در نهایت به همیزیستی بهتر این مراکز با جامعه میزبان کمک کند و همچنین هویت مراکز اسلامی به‌عنوان پایگاه هویتی-اجتماعی مسلمانان حفظ و تقویت شود. برای دستیابی و شناخت دیدگاه‌ها گروه کاربران، شناسایی نیازها و دغدغه‌ها آنها، دریافت پیشنهادات گروه کاربران در مورد طراحی، شناسایی ترجیحات بصری و سلیقه مخاطب و تحلیل آن از ابزار پرسشنامه استفاده شد. این پرسشنامه برای افرادی طراحی گردید که افراد

در نتیجه موارد گفته شده می‌توان نتیجه‌گیری نمود مفاهیم همیزیستی و هویت را نمی‌توان به صورت جداگانه تحلیل نمود بلکه این دو مفهوم، یک رابطه دوسویه دارند. لذا برای دستیابی به همیزیستی بهتر در معماری مراکز اسلامی، علاوه بر هماهنگی با محیط و فرهنگ جامعه میزبان و رعایت حساسیت‌های اجتماعی باید به حفظ و تقویت عناصر هویتی و فرهنگی جامعه اقلیت نیز توجه نمود و صرف تشابه کامل منجر به بهبود وضعیت همیزیستی نخواهد شد؛ بلکه توجه همزمان به هماهنگی و حفظ ویژگی‌های هویتی است که می‌تواند راهگشا باشد.



مرکز اسلامی وجود داشته باشد مورد بررسی قرار گیرد. در بخش سوم، با توجه به اهمیت و تأثیر زیاد عناصر شاخص مسجد در هویت بخشی به مراکز اسلامی و همچنین حساسیت جامعه نسبت به برخی از این عناصر، دیدگاه مخاطب در مورد هر یک از عناصر شاخص از نظر همزیستی و هویت مورد بررسی قرار گرفت. عناصر گنبد، مناره، حیاط، حوض و وضوخانه، ایوان و رواق، محراب، تزئینات و آرایه‌های داخلی، تزئینات و آرایه‌های خارجی، ورودی و سر در، از نظر اثرگذاری بر ۴ شاخص مورد سنجش قرار گرفته است. شاخص‌های مورد بررسی به ترتیب اثر عناصر بر «هویت اسلامی»، «معنویت فضا»، «تضاد و تقابل با معماری و سیمای کلی شهر»، «اهمیت وجود» می‌سنجد.

در بخش آخر پرسشنامه، پرسشی با پاسخ باز مطرح گردید، این پرسش به منظور آگاهی از تجربیات قبلی و ارائه پیشنهادات یا نکاتی که مخاطب تمایل دارد در این موضوع مطرح کند طراحی گردید.

۴. یافته‌ها

پرسشنامه صورت گرفته با هدف شناخت ذهنیت و دیدگاه مخاطب مسلمان در زمینه معماری مراکز اسلامی انجام شده. منابع بسیاری استفاده از تحلیل آماری بر اساس شاخص‌های «مد»، و «میان» در این گونه پرسشنامه‌های نظرسنجی و افکار سنجی را برای تحلیل پیشنهاد داده‌اند و در عین حال استفاده از «میانگین» چندان توصیه نشده است. تأکید می‌شود که این پرسشنامه مبنایی برای شناخت و تحلیل نگاه مخاطب است و سپس با نظریات صاحب‌نظران تطبیق و تحلیل شده است و دستاورد تحقیق یک تحلیل تطبیقی است (Kero & Lee, 2011; Todd et al., 2022; Saint, 2016). از مجموع تعداد ۷۲ پرسشنامه پر شده، تعداد ۶۶ پرسشنامه معتبر و صحیح بدست آمد و مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل داده‌های بدست آمده در قالب سه بخش «ویژگی‌های کالبدی»، «کاربری و عملکرد»، و «عناصر شاخص» ارائه می‌گردد. داده‌های توصیفی سوالات باز در میان همین سه بخش تحلیل آماری، بررسی و ارائه می‌گردد. بر اساس مقالات مختلف در پژوهش‌های حجم نمونه کافی در نظرسنجی‌ها از ۳۰ نفر تا ۵۰۰ نفر کافی می‌باشد. محقق تلاش کرد تا به منظور افزایش اطمینان از اشباع نظری و کفایت نمونه، تعداد شرکت‌کنندگان بیش از حداقل گفته شده باشد و علی‌رغم محدودیت‌ها و مشقت‌های دسترسی به جوامع مسلمان خارج از کشور، تعداد شرکت‌کنندگان به حداکثر ممکن برسد. پرسشنامه مربوطه به روش گلوله برفی و با کمک جوامع ایرانیان ساکن انگلستان در گروه‌های دوستی و در زمانی محدود تهیه شده است و

بالغ (۱۸+) مسلمانان ایرانی که ساکن در انگلستان بوده و تجربه استفاده از اماکن مذهبی در آن کشور را داشته باشند. برای دسترسی بهتر و صرفه‌جویی در هزینه‌های تحقیق این نظرسنجی از اینترنت با نرم‌افزار مبتنی بر وب صورت پذیرفت. به منظور بهینه‌سازی در اجرای این نظرسنجی، پس از بررسی چندین نرم‌افزار از «Google Form» استفاده گردید و آزمایشی از لحاظ صحت سوالات و تکنیکی صورت گرفت. در این تحقیق دو روش دعوت استفاده شد: تماس شخصی و نمونه‌گیری زنجیره‌ای (Snowball). در این پژوهش در ابتدا این پرسشنامه به افرادی که شرایط مذکور را دارا بودند ارسال گردید و از افراد مذکور درخواست گردید، افرادی که دارای شرایط مشابه هستند، جهت شرکت در این پژوهش معرفی کنند. در پایان پس از یک ماه تعداد ۷۲ نفر به پرسشنامه پاسخ داده که پس از بررسی، ۶۶ پاسخ معتبر جمع‌آوری شد. بنا به موضوع پژوهش از روش نمونه‌گیری انتخابی و هدفمند استفاده شده است و شرایط پاسخ‌دهندگان، مسلمانان شیعه ساکن در «کشور انگلستان» می‌باشد. در این پژوهش از یک پرسشنامه شامل ۴ بخش استفاده شده است. در بخش اول و سوم از پرسش با پاسخ بسته و از طیف ۵ بخشی لیکرت - بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم، به هیچ عنوان - استفاده شده است. در بخش اول سوالات با طرح مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و صفات کالبدی مرکز اسلامی از مخاطب خواسته شده که با امتیازدهی به این ویژگی‌ها نظر خود را در رابطه با این صفات اظهار کند. لذا با توجه به مباحث مطرح شده در مبنای نظری به بررسی دیدگاه مخاطب در رابطه با شاخص‌های مرتبط با همزیستی و هویت پرداخته شد. به این منظور در یک مرحله شاخصه‌های به صورت ویژگی‌های کالبدی تدوین شد تا دیدگاه‌های مخاطبان در این رابطه مشخص گردد.

- شاخص بودن نمای بیرونی نسبت به ساختمان‌های اطراف و سیمای کلی شهر
- پیروی و تشابه با معماری بومی شهر میزبان
- استفاده از تزئینات و عناصر اسلامی در نمای بیرونی
- ارتباط و تعامل با شهر و اجتماع
- استفاده از تزئینات و عناصر اسلامی در نمای داخلی
- دعوت‌کنندگی بنا
- سادگی ظاهری بنا
- شکوه و عظمت بنا

در بخش دوم تمرکز بر بعد کارکردی و عملکردی مکان است. به این منظور کاربری‌های شاخصی که می‌تواند در کنار

ارائه آمار بدست آمده به تحلیل و تطبیق این آمار با تحقیقات قبلی و آرا و نظرات کارشناسان در این حوزه می‌پردازیم و در انتهای هر بخش پرسشنامه خلاصه‌ای تحلیلی ارائه شده است. تحلیل‌های آماری بر اساس نظرات کارشناسان در پرسشنامه‌های لیکرت بر مبنای مد و میانه انجام می‌شود (Kero & Lee 2016; Saint et al. 2022; Todd 2018).

دستیابی به تعداد بیشتر در محدوده زمانی تحقیق امکان‌پذیر نبود. با توجه به ماهیت کیفی مسئله در این پژوهش از روش‌های تحلیل آماری کیفی در نتیجه‌گیری‌ها استفاده شده است. آلفای کرونباخ مجموعه سوالات عدد «۰۰۹۱۶» بدست آمد که با توجه به این که اگر آلفای کرونباخ مجموعه سوالات بالای ۰۰۷ باشد تحقیق انجام گرفته پایایی لازم را دارد لذا تحقیق از پایایی لازم برخوردار است. در این بخش ضمن

۴-۱. بررسی ویژگی‌های کالبدی

جدول ۱. پاسخ سوالات ویژگی‌های کالبدی

شماره	۱-۱-۴	۲-۱-۴	۳-۱-۴	۴-۱-۴	۵-۱-۴	۶-۱-۴	۷-۱-۴	۸-۱-۴
عنوان	شاخص بودن نمای بیرونی (در سیمای کلی شهر و نسبت به ساختمانهای اطراف)	تشابه و پیروی ظاهر از معماری شهر میزبان	استفاده از تزئینات و عناصر معماری اسلامی در نمای بیرونی	استفاده از تزئینات و عناصر اسلامی در نما داخلی یا فضاهای داخلی	ارتباط و تعامل با محیط شهری و محله	دعوت‌کنندگی بنا	شکوه و عظمت بنا	سادگی ظاهری بنا
نتایج	مد: زیاد (٪۴۲،۴) میانه: زیاد	مد: زیاد (٪۴۲،۴) میانه: زیاد	مد: زیاد (٪۳۹،۴) میانه: زیاد	مد: بسیار زیاد (٪۶۹،۷) میانه: بسیار زیاد	مد: بسیار زیاد (٪۴۷) میانه: بسیار زیاد	مد: بسیار زیاد (٪۴۷) میانه: زیاد	مد: متوسط (٪۳۹،۴) میانه: زیاد	مد: متوسط (٪۳۹،۴) میانه: زیاد

میزبان می‌شود. این امر به ایجاد نگاه بهتر جامعه میزبان نسبت به جامعه مسلمان و مرکز اسلامی منجر خواهد شد و حتی به جلوگیری از احساسات اسلام ستیزانه در جامعه اروپا که اسلام را نوعی تهاجم فرهنگی می‌داند کمک می‌کند. در مقایسه این دو شاخص که در ابتدا به نظر در تضاد با هم به نظر می‌آیند این نتیجه حاصل می‌شود که افراد علاوه بر تأکید بر شاخص بودن مرکز اسلامی و داشتن هویتی متفاوت و نشانه‌دار بودن، بر این نکته نیز تأکید دارند که باید از برهم زدن سیمای شهری پرهیز کرد و تلاش کرد تا بر هماهنگی و همخوانی با نمای شهری تأکید شود. موربیدونی نیز در تحقیقات خود اشاره می‌کند که شهروندان غیر مسلمان هم از شباهت مراکز اسلامی به سایر ساختمان‌ها و کلیساها استقبال نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند هویت مراکز اسلامی مشخص باشد (Morbidoni 2013).

ارزش‌های فرهنگی، خاطرات جمعی و بازشناسی مسیر موجود باشد. به صورت کلی برای رفتن به هر جایی باید اول از مقصد، در ذهن دانسته یا خاطره ای داشت، بنابراین مکان مورد نظر نه تنها باید کیفیت‌های بصری داشته باشد، باید

۴-۱-۱. شاخص بودن نمای بیرونی (در سیمای کلی شهر و نسبت به ساختمان‌های اطراف)

۷۲٪ پاسخ‌دهندگان با شاخص بودن نمای بیرونی و وجه هویتی مرکز اسلامی نسبت به ساختمان‌های اطراف بسیار موافق بودند. لذا نمای مرکز باید کاملاً شاخص بوده تا هویت و کاربری آن از بافت اطراف مشخص باشد.

۴-۱-۲. تشابه و پیروی ظاهر از معماری شهر

میزبان

۵۴٪ پاسخ‌دهندگان تأکید زیاد یا بسیار زیادی بر تشابه و پیروی ظاهر بنا از معماری شهر میزبان داشتند و ۳۶٪ بر میزان متوسط این تشابه تأکید داشتند و باقی کم و به هیچ عنوان را مد نظر داشتند. در نتیجه نیمی از افراد برای رعایت هویت بصری و فرهنگی زمینه و برهم زدن سیمای کلی شهر میزبان اهمیت زیادی قائل هستند. اما کمتر از نیمی دیگر میزان تشابه با شهر میزبان را متوسط و کم پیشنهاد می‌کردند. رعایت هماهنگی و همخوانی با زمینه و اجتناب از ایجاد ناهنجاری باعث سازگاری بهتر و ارتباط بهتر با جامعه



و حس مکان بسیار موثر است (ممانی و دیگران ۱۳۹۷). لذا توجه به استفاده از تزئینات در مراکز اسلامی بسیار مهم است. اما کار بست این عناصر در بخش‌های داخلی و خارجی نیازمند ملاحظات است که نیاز است تا طراح با در نظر گرفتن آن‌ها از تزئینات در بخش‌های مختلف استفاده کند.

۴-۱-۵. ارتباط و تعامل با محیط شهری و محله

۸۳،۴٪ پاسخ‌دهندگان بر ارتباط و تعامل زیاد و بسیار زیاد مرکز اسلامی با محیط شهری و اجتماع تأکید داشتند. در نتیجه در طراحی این مراکز باید تلاش شود تا حد ممکن تعامل و ارتباط با جامعه زیاد باشد و امکان حضور گروه‌های مختلف را فراهم آورد و از انحصارگرایی پرهیز شود.

۴-۱-۶. دعوت‌کنندگی بنا

۸۴،۹٪ پاسخ‌دهندگان با اتفاق نظر تقریباً کاملی اشاره کرده‌اند که طراحی مراکز اسلامی باید به گونه‌ای دعوت‌کننده و پذیرای حضور افراد مختلف باشد.

مراکز اسلامی در اروپا برای پاسخگویی به نیازهای نسل‌های جوان در حال تکامل هستند و محققان آموزه‌های خود را برای ارتباط دادن اسلام با واقعیت اروپایی تطبیق می‌دهند (Bano 2022) موروبودینی^{۱۵} با توجه به تحقیقات سندرکوک^{۱۶} و بریجمن^{۱۷}، مدیران و برنامه‌ریزان شهری را مورد انتقاد قرار می‌دهد و آن‌ها را معمولاً کم‌توجه به نیاز اقلیت‌ها می‌داند و اشاره می‌کند و رویکرد جداسازی مراکز اسلامی از بافت شهری و سبب تشدید ناسازگاری با جامعه می‌داند. او اشاره می‌کند دلایلی نظیر سیاست عدم مواجهه با جامعه و مشکلات ترافیکی باعث می‌شود مراکز اسلامی در حاشیه شهر ساخته شوند. قرارگیری مراکز اسلامی در خارج از بافت شهری و دوری از مواجهه با اجتماع هرچند امکان تراجم و تقابل را کم می‌کند اما نقش مسجد به‌عنوان یک پایگاه فرهنگی-اجتماعی را از بین می‌برد. و نهایت پیشنهاد می‌کند مراکز اسلامی در میان بافت‌های غنی فرهنگی و شهری ساخته شوند تا ضمن تأکید بر هویت جامعه مسلمانان، مرکز اسلامی فرصتی برای پیشرفت اجتماعی-فرهنگی بخش وسیعی از شهر باشد و پایگاهی برای آشنایی شهر و جامعه اسلامی شود (Morbido 2013; Sandercock & Bridgman 1999).

در نتیجه باید از درون‌گرایی در فضاهای عمومی و نما پرهیز کرد. با توجه به نتایج این دو شاخصه طراحی مراکز اسلامی باید به گونه‌ای باشد که رویکردی اجتماع‌محور و دعوت‌کننده داشته باشد. پیش‌بینی فضاهایی که اجتماع‌پذیری را افزایش دهد و ایجاد عرصه‌های مختلف از نظر میزان

مشخص و دریافتنی هم باشد (علی‌دوست و دیگران ۱۳۹۷). در نهایت جمع‌بندی نشان می‌دهد که در طراحی مراکز اسلامی باید تلاش کرد ضمن رعایت هماهنگی و استفاده از احجام و بافت مصالحی هماهنگ با زمینه و سیمای شهری در طراحی و سیمای خارجی و داخلی هویت و نشانه‌های بصری اسلامی را استفاده کرد. در نتیجه ضمن حفظ هماهنگی با زمینه و نداشتن تضاد، هویت مکانی مرکز اسلامی هم حفظ می‌شود.

۴-۱-۳. استفاده از تزئینات و عناصر معماری

اسلامی در نمای بیرونی

۷۲٪ پاسخ‌دهندگان تأکید زیادی بر استفاده از تزئینات و عناصر معماری اسلامی در نمای بیرونی داشتند و حدود یک سوم افراد اعتقاد به استفاده متعادل از این تزئینات در نمای بیرونی داشتند.

۴-۱-۴. استفاده از تزئینات و عناصر اسلامی در نما

داخلی یا فضاهای داخلی

۹۲٪ پاسخ‌دهندگان در مورد استفاده از تزئینات و عناصر اسلامی در فضای داخلی بنا اتفاق نظر کامل داشتند و لزوم استفاده از آن را بسیار زیاد و زیاد می‌دانستند. تزئینات و آرایه‌ها نحوه و میزان استفاده از تزئینات و آرایه‌ها که بخشی از پرداخت نهایی فضا است گاه به کلی هویت فضا را دگرگون می‌سازد.

تزئینات معماری اسلامی نقش بسزایی در بیان زیبایی‌شناسی معنوی و ارزش‌های فرهنگی دارد. این عناصر تزئینی، از جمله خط، نقوش هندسی، و اسلیمی، به جای تزئینات صرف، جزء لاینفک معماری اسلامی هستند (Zahra & Shahir 2022; Basoecki & Wu 2021). تزئینات اسلامی به‌عنوان رسانه‌ای برای انتقال فرهنگ، ارزش‌ها و هویت اسلامی عمل می‌کند و در عین حال نیاز انسان به زیبایی‌شناختی در محیط‌های ساخته شده را برآورده می‌کند (Zahra 2022). زیبایی‌شناسی معنوی این تزئینات فراتر از معانی تحت‌اللفظی است و از طریق تعامل فضاهای داخلی بر ادراکات افراد تأثیر می‌گذارد و با زیبایی‌شناسی انسانی درگیر می‌شود (Zahra & Shahir 2022). با این وجود تزئینات معماری اسلامی در حال تکامل هستند تا ملاحظات زیست‌محیطی، سادگی در طراحی و فناوری مناسب را دربرگیرند (Basoecki & Wu 2021).

همانطور که در بخش ادبیات اشاره شد مرکز اسلامی یک پایگاه هویتی برای مسلمانان تلقی می‌شود و هویت بصری این مراکز اهمیت زیادی دارد. تزئینات بر مخاطب و کیفیت فضا تأثیر بسیار زیادی می‌گذارد و در تقویت هویت

ارتباط با شهر می‌تواند به این امر کمک کند. همچنین داشتن ویژگی‌های منحصر به فرد هویتی نیز خود باعث ایجاد جذابیت می‌شود (Lewicka 2008).

۴-۱-۷. شکوه و عظمت بنا

۳۹،۴٪ پاسخ‌دهندگان به طور متوسط با عظمت و شکوه بنا در سطح متوسط موافق بودند و ۵۶،۱٪ دیگر بر عظمت و شکوه زیاد یا بسیار زیاد بنا تأکید داشتند. در این زمینه کمی اختلاف نظر بین پاسخ‌دهندگان دیده می‌شود. در نتیجه در طراحی این مراکز باید دقت کرد تا شکوه و عظمت بنا حفظ شود ولی در عین حال زیاده‌روی در عظمت بنا نیز چندان مطلوب نمی‌باشد.

۴-۱-۸. سادگی ظاهری بنا

۵۱،۵٪ پاسخ‌دهندگان موافقت زیاد و بسیار زیادی با حفظ سادگی بنا داشتند و ۳۹،۴٪ به طور متوسط با سادگی بنا موافق بودند. در نتیجه در طراحی مراکز اسلامی باید تلاش کرد از زوائد و شلوغ کاری در طراحی پرهیز شود ولی در عین حال توجه داشت تا بیش از حد به سمت سادگی نرود. رعایت تعادل در طراحی و تزئینات الزامی است.

دین اسلام، مسلمانان را به شدت از اسراف و تجمل‌گرایی نهی می‌کند. معماری اولین مسجد اسلام یعنی مسجد پیامبر یک بنای بسیار ساده بود و پیامبر نیز بر حفظ سادگی مسجد تأکید زیادی داشت تا حدی از مسقف کردن مسجد خود نیز پرهیز می‌کرد. همانطور که مسجد پیامبر بر مبنای کارایی بنا شده بود (Omer 2010). هر چند باید وضعیت اقتصادی-اجتماعی جامعه اسلامی در آن زمان نیز توجه داشت. در طول تاریخ این رویکرد تا حدی تغییر کرد و گسترش تمدن اسلامی تحولاتی را در ساختار مساجد ایجاد کرد که گاه باعث فاصله گرفتن مساجد از اصول اولیه خود شد. در زمینه عظمت و شکوه مساجد و همچنین حفظ سادگی مساجد به این مسئله توجه ویژه کرد.

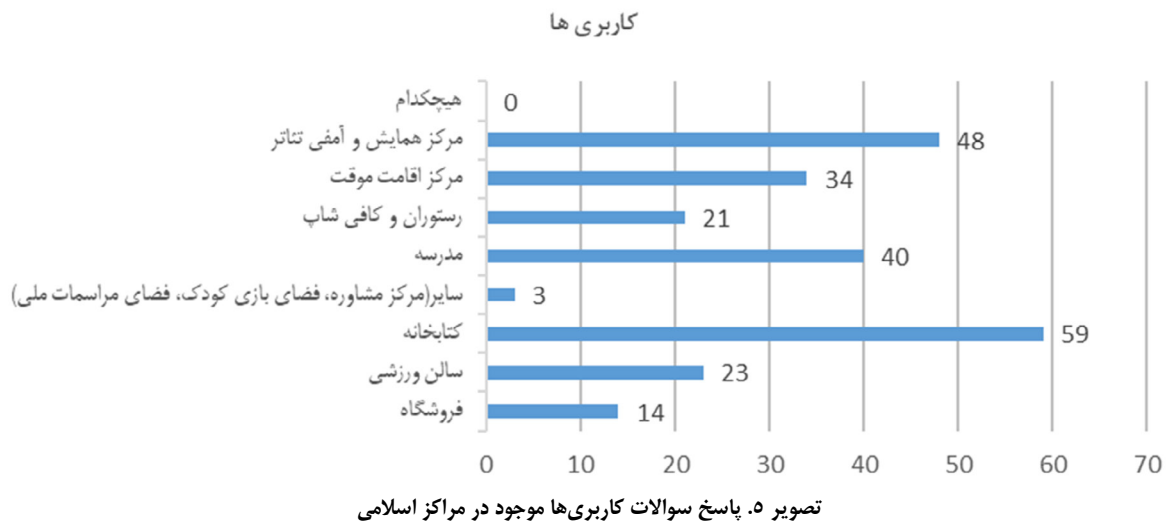
۴-۲. کاربری و عملکرد

نحوه برنامه‌ریزی فیزیکی اثر زیادی بر هویت فضای مسجد دارد. مسجد از ابتدا تا کنون نقش اجتماعی بسیار قوی در جوامع اسلامی داشته‌اند. «عمر»^{۱۸} می‌گوید معماری اسلامی، سه بعد دارد: کالبد، مفهوم و معنویت؛ نقش فرم نیز مهم است، اما فقط به‌عنوان مکمل و تقویت عملکرد، زیرا نقش اصلی بنا تسهیل انجام فعالیت‌های انسانی است. معماری باید انسان‌محور و تقویت‌کننده پیشرفت معنوی فرد باشد. در بخش دوم پرسشنامه درباره سوال مرتبط با

کاربری‌های مرتبط با مرکز اسلامی، بیش از دو سوم افراد به وجود کاربری‌های کتابخانه، مرکز همایش، مدرسه در مرکز اسلامی رای دادند. بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان به وجود مرکز اقامت تأکید داشتند و حداقل یک سوم افراد به وجود سالن ورزشی و کافه-رستوران در مرکز اسلامی علاقه نشان دادند. همچنین در پاسخ‌های توصیفی، به وجود فضای بازی کودکان با نظارت والدین بدون ایجاد تداخل با مراسم اصلی و برنامه‌های بزرگسالان اشاره شده است.

مساجد برخلاف کلیساها و کنیسه‌ها صرفاً مکانی مقدس برای عبادت نبودند بلکه مسجد از ابتدا مرکزی برای تعاملات اجتماعی و یک پایگاه اجتماعی فرهنگی بوده است. حضور کاربرهای آمیخته با مسجد نظیر مدرسه، بازار، کاروان‌سرا، و... نشان‌دهنده عمق ارتباط مسجد با بدنه اجتماع است. مسجد محلی جدا برای عبادت نبوده و از ابتدا ارتباط نزدیکی با زندگی روزمره مردم داشته است. فلاحی در تحقیقات خود ادعا می‌کند که افزایش فعالیتها و وجود کاربری‌ها متنوع در مسجد را باعث تقویت حس مکان مسجد و احساس تعلق به آن می‌شود (فلاحی ۱۳۸۴).

مساجد نقش حیاتی در جوامع مسلمان ایفا می‌کنند و نه تنها به‌عنوان مکان عبادت بلکه به‌عنوان مراکزی برای فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و فرهنگی نیز خدمت می‌کنند (SUTRIYONO 2021; Usman 2020). از نظر تاریخی، حضرت محمد مساجد را به‌عنوان مراکزی برای توسعه جامعه و تعلیم اسلامی تأسیس کرد (Usman 2020). امروزه مساجد به‌عنوان نهادهای اجتماعی به عملکرد خود ادامه می‌دهند و به بهبود کیفیت مذهبی در جوامع کمک می‌کنند (SUTRIYONO 2021). کتابخانه‌های مساجد به‌عنوان منابع آموزشی، پرورش آگاهی اطلاعاتی و رشد فکری در میان مسلمانان عمل می‌کنند (Effendi 2023). نقش در حال تحول مساجد شامل فعالیت‌های اجتماعی مختلف، طرح‌های معماری و رویکردهای مدیریتی است که از سلامت روانی و معنوی حمایت می‌کند و در عین حال نیازهای اجتماعی گسترده‌تری را نیز برطرف می‌کند (Nata 2021). با این حال، برخی از مساجد با تمرکز بر خدمات نماز به جای استفاده از پتانسیل کامل خود به‌عنوان مراکز اجتماعی، تنزل عملکرد خود را تجربه کرده‌اند (Usman 2020). احیای نقش‌های چندوجهی مساجد می‌تواند تأثیر آنها را بر توسعه جامعه و آموزش دینی افزایش دهد.



مرکز اسلامی می شود و حتی می تواند به ارائه تصویری بهتر و واقعی تر از جامعه مسلمان کمک کند.

شرکت کنندگان در بخش چهارم پرسشنامه (پرسش باز) به حوزه عملکردی مرکز اسلامی اشاره داشتند که در ادامه به آن اشاره می شود:

انعطاف پذیری فضای معماری در شرایط مختلف و امکان استفاده از فضا برای فعالیت های متنوع، تطبیق ابعاد فضا با توجه جمعیت کاربران در مواقع مختلف، از نکاتی بود که کاربران به آن اشاره نموده بودند. «احمد^۲» اشاره می کند که مساجد سنتی وجوه بسیار منعطف و درگیر با نیاز های اجتماعی و فرهنگی دارند و مسجد پیامبر نیز همین گونه بوده است (Ahmed 2019).

از دیگر نکات اشاره شده توسط کاربران، تأکید بر برابری و عدالت جنسیتی در نظام فضایی و جدا نبودن فضای زنان و مردان در محیط مرکز اسلامی بود. خان در همین زمینه اشاره کرده است که از سال ۲۰۰۳ برخی از زنان مسلمان در ایالات متحده خواستار برخورد یکسان میان زن و مرد و جدا نبودن فضای عبادت زنان از صحن اصلی مسجد در مراکز اسلامی بوده اند (Khan 2008).

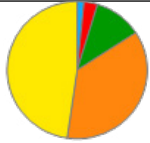
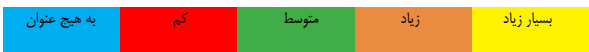
۳-۴. بررسی تأثیر عناصر معماری اسلامی

این بخش به تحلیل تأثیر عناصر شاخص معماری اسلامی در مساجد بر مسئله هویت و همزیستی در مراکز اسلامی پرداخته است.

لذا می توان نتیجه گیری نمود که وجود کاربری های فرهنگی و آموزشی در مرکز اسلامی برای مخاطب مسلمان بیشتر از سایر کاربری ها اهمیت دارد. مدارس اسلامی آخر هفته که هدفشان آموزش اسلام و زبان مادری به کودکان مسلمان است، با مسائلی مانند معلمان ناکافی، برنامه های درسی نامناسب و محیط های آموزشی نامناسب دست و پنجه نرم می کنند (Alrasheedi & Almutawa 2020). این امر باعث تقویت هویت مرکز اسلامی و احساس تعلق مکانی به آن می شود. وجود عملکردها و فضاهای جانبی و موجب تقویت حس مکان مسجد و احساس تعلق به آن می شود. «فوغیت^{۱۹}» در مورد نقش مراکز اسلامی و مساجد در آمریکا اشاره می کند که این مراکز بیش از آن که صرفاً یک عبادتگاه دینی و محلی برای اقامه نماز باشند، یک پایگاه اجتماعی و فرهنگی بسیار مهم برای جامعه مسلمانان هستند (Fugate 2014). ساخت مساجد جدید اغلب جرقه مناقشه هایی را برمی انگیزد، به ویژه در مراحل برنامه ریزی، با درگیری هایی که بین اعضای کمیته مسجد بر سر اولویت های زیبایی شناختی و اعتراض های محله به وجود می آید (Verkaaik 2020). برای پرداختن به این چالش ها، برخی اتخاذ اصول معماری اسلامی در طراحی مساجد، همسو با آموزه های قرآنی و حدیثی، برای ایجاد فضاهایی که فعالیت های مختلف اسلامی فراتر از عبادت را در خود جای دهد و به طور بالقوه مشارکت جامعه را افزایش دهد، پیشنهاد می کنند (Firdaus et al 2022). وجود چنین کاربری هایی جنبه فرهنگی مرکز اسلامی را تقویت می کند و مرکز اسلامی از یک مرکز منحصر به مسلمانان به یک مرکز فرهنگی در سطح شهر تبدیل می کند. وجود کاربری های غنی و مختلف باعث افزایش ارتباط اجتماع و محیط شهری با

۳-۴-۱. مناره و گنبد

جدول ۳. جدول نتایج مناره و گنبد

عنوان	مفهوم و هویت اسلامی	معنویت فضا	تضاد و تقابل با محیط شهری	اهمیت وجود
گنبد	 مد: بسیار زیاد (۴۳,۹٪) میانه: زیاد	 مد: بسیار زیاد (۳۷,۹٪) میانه: زیاد	 مد: زیاد (۳۳,۳٪) میانه: زیاد	 مد: بسیار زیاد (۳۳,۳٪) میانه: زیاد
مناره	 مد: بسیار زیاد (۴۸,۵٪) میانه: زیاد	 مد: بسیار زیاد (۳۰,۳٪) میانه: زیاد	 مد: بسیار زیاد (۳۴,۸٪) میانه: زیاد	 مد: بسیار زیاد (۳۴,۸٪) میانه: زیاد
				

گنبدها به سختی از بیرون قابل رویت است که نشان اهمیت ذاتی این عنصر است (Serageldin 1996). «ورکایک^{۲۱}» تأکید می‌کند گنبد و سایر عناصر اسلامی علاوه بر نقش نوستالژیک و نمایشی آن بر معنویت نمازگزاران در حین عبادت نیز تأثیر می‌گذارد (Verkaaik 2012).

۸۳٪ افراد، مناره را نشانه بسیار قوی هویت اسلامی می‌دانند و ۵۳٪ میزان تأثیر مناره بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند در حالیکه ۴۵٪ تأثیر معنوی مناره را متوسط یا کم می‌دانند؛ ۶۳٪ افراد مناره را در تضاد زیاد با سیمای کلی شهر و محله ارزیابی کرده‌اند و در نهایت حدود ۶۰٪ افراد اهمیت وجود مناره در مراکز اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد می‌دانند.

مناره یکی از ویژگی‌های بارز معماری مساجد اسلامی است که از دوران اولیه اسلامی تکامل یافته و به یک عنصر اساسی تبدیل شده است (Kamal 2021). صرف‌نظر از اختلاف‌نظرها در مورد منشأ و کاربرد مناره‌ها، یک مناره معمولاً نشانه وجود یک مسجد است. هرچند ممکن است این‌گونه به نظر برسد که مناره در میان عناصر شاخص اسلامی کمترین کارایی را دارد؛ اما برای بسیاری از مسلمانان مهمترین نماد معماری اسلام است (Biondo III 2006). «خالیدی^{۲۲}» با تأکید زیادی بیان می‌کند که به نظر او مناره و نه گنبد مهمترین عنصر معماری در طراحی مساجد است و بدون آن مراکز اسلامی به راحتی شناخته نمی‌شود (Khalidi).

۷۸ درصد پاسخ‌دهندگان گنبد را نشانه بسیار قوی هویت اسلامی می‌دانند؛ ۶۲٪ میزان تأثیر گنبد بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند. همچنین بیش از ۵۶٪ افراد گنبد را در تضاد زیاد با سیمای کلی شهر و محله ارزیابی کرده‌اند در حالیکه حدود ۴۰٪ افراد تضاد گنبد با سیمای شهری را کم یا متوسط ارزیابی کرده‌اند. در نهایت ۶۵٪ افراد اهمیت وجود گنبد در مراکز اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد می‌دانند.

با توجه به دیدگاه‌های مخاطبان عنصر گنبد تأثیر بسیار زیادی بر هویت بصری مرکز اسلامی دارد، همچنین تأثیر نسبتاً زیادی بر معنویت فضا دارد که باز هم بر وجوه نمادگراییه و معنایی و یا تأثیرات فرهنگی و روانشناسانه این عناصر که پیش از این به آن اشاره شد ارتباط دارد. پاسخ‌دهندگان اتفاق نظری در مورد تضاد گنبد با سیمای شهری نداشته‌اند. اکثریت افراد هم به اهمیت زیاد بکارگیری گنبد در مراکز اسلامی تأکید داشتند، همچنین در قسمت پرسش باز نیز مخاطبان تمایل زیادی به استفاده از گنبد در مراکز اسلامی نشان داده‌اند، هرچند برخی از آنها نیز تمایلی به استفاده از گنبد نشان ندادند.

گنبد فقط یک تاج نمایشی برای بنا نیست، بلکه تأثیر اساسی بر فضای داخلی می‌گذارد و به همراه سایر عناصر ساختاری و تزئینی

–حجم، فضا، نور، آکوستیک، مصالح، رنگ– بر ابعاد معنوی و عبادی فضا تأثیر می‌گذارد. در بعضی از موارد، حتی

حدود ۸۵٪ محراب را نشانه بسیار قوی هویت اسلامی می‌دانند و ۷۵٪ تأثیر محراب بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند و در نهایت ۷۳٪ افراد اهمیت وجود مناره در مراکز اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد می‌دانند.

پاسخ‌دهندگان محراب را مهمترین عنصر هویتی در میان سایر عناصر دانسته‌اند. همچنین به تأثیر بسیار زیاد این عنصر بر معنویت فضا تأکید می‌کنند. طراحی تمام فضاهای مسجد با توجه به محور قبله شکل می‌گیرد و محراب در کانون محور قبله است (نقره‌کار و دیگران ۱۳۸۸). جهت قبله در اندام‌های اصلی، اولین نقطه مشترک در ساختار مساجد است (حیاتی و دیگران ۱۳۹۸). محراب شاخص‌ترین عنصری است که به بعد عبادی در مراکز اسلامی اشاره دارد و نقش زیادی در هویت‌سازی مراکز اسلامی ایفا می‌کند. محراب به‌عنوان نشانه محور قبله وجه کارکردی مهمی در طراحی داخلی و هندسی بنا دارد. در طراحی فضای داخلی، می‌بایست با ایجاد یک تمرکز بصری و حذف عوامل برهم زننده تمرکز و تقویت محور قبله، به برگزاری هرچه بهتر مراسم عبادی کمک کرد. یکی از روش‌هایی که در معماری اسلامی مرسوم است، تغییر جهت محور حرکتی و شکست هندسی محور مسجد به سمت قبله است که جنبه‌های معنوی، هویتی، روانشناسی و زیبایی‌شناسی داشته است (فتاحی و عمرانی‌پور ۱۳۹۳؛ نقره‌کار ۱۳۹۵). تأکید بر تغییر محور و جهت‌گیری به سمت قبله در نمای بیرونی هرچند ضرورتی عملکردی ندارد، اما به‌عنوان یک راهکار فرمی با اهداف نمادگرایی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

۴-۳-۳. حیاط و صحن

۵۴ افراد حیاط را نشانه قوی هویت اسلامی می‌دانند در حالیکه ۳۸٪ معتقدند حیاط به طور متوسط بر هویت اسلامی موثر است. ۵۹٪ میزان تأثیر حیاط و صحن بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند. از نظر اکثریت افراد حیاط نقش نسبتاً زیادی در مرکز اسلامی ایفا می‌کند و تأثیر متوسطی از نظر هویتی دارد ولی تأثیر معنوی آن بیشتر و نسبتاً در معنویت فضا موثر است.

«حیاط» هسته اولیه مساجد سنتی است. فضای باز یا حیاط نقشی فراتر از یک عنصر دارد و حتی در برخی روایات بر بدون سقف بودن مسجد تأکید می‌شود و توصیه شده تا برخی از مناسک عبادی فضای باز و زیر آسمان صورت پذیرد (سلمانی و دیگران ۱۳۹۴). با وجود تغییرات فراوان حیاط مرکزی جز لاینفک شالوده مسجد است (خاکپور و کاتب ۱۳۹۶). حیاط در مراکز اسلامی نقش‌های مختلفی شامل نقوش عبادی، اجتماعی، معنایی- روانشناختی، اقلیمی دارد

(1998). «کاهرا^{۲۳}» و «فتحی» اما گنبدها را مهمترین عنصر مراکز اسلامی می‌داند (Fathy 2010; Kahera et al 2009). اردلان اشاره می‌کند که ممکن است یک مرکز اسلامی بدون گنبد یا مناره شناخته شود اما بدون هیچ یک از این دو عنصر شناسایی آن برای غیرمسلمانان بسیار بعید است (Ardalan 1980).

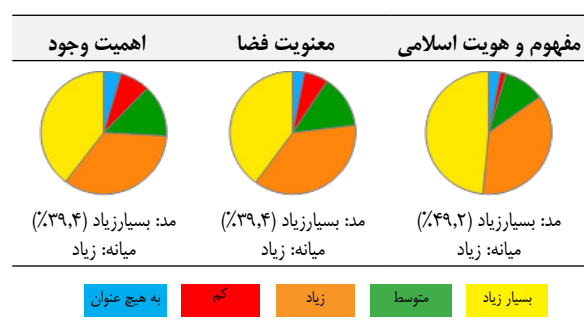
استفاده از مناره و گنبد موضوعی بحث برانگیز در جوامع غربی و حتی در میان خود مسلمانان است. بسیاری معتقدند بهتر است بجای ساخت مناره و گنبد هزینه آن صرف امور آموزشی و کاربردی شود. در جوامع غربی نیز حساسیت زیادی نسبت به ساخت گنبد و مناره بخصوص مناره وجود دارد تا حدی که همیشه یکی از مسائل مهم نحوه طراحی این دو عنصر است و حتی در برخی از کشورهای اروپایی ساخت گنبد و مناره ممنوع شده است (Biondo III 2006).

اما برخی به اهمیت هویتی و روانی این عناصر اشاره می‌کنند و وجود گنبد و مناره را بر تقویت حس صمیمیت فضای مراکز اسلامی بسیار اثر گذار می‌دانند. «راز^{۲۴}» علت تأکید مسلمان بر گنبد را به وجود آمدن احساس داشتن یک پایگاه اجتماعی و احساس پذیرفته شدن توسط جامعه میزبان می‌داند (Raza 1991).

در طراحی «گنبد» و «مناره» لازم است توجه ویژه‌ای در طراحی آن‌ها لحاظ شود. پیامبر اسلام نیز در روایات متعددی مسلمانان را از مرتفع ساختن مناره‌ها و اشراف مسجد به سایر بناهای اطراف نهی کرده‌اند. لذا در طراحی این عناصر نسبت به رعایت نظام ارتفاعی و رعایت هماهنگی فرمی و بصری با زمینه توجه ویژه نمود. همانطور که پاسخ‌دهندگان نیز تأکید داشتند خلایق و نوآوری در بکارگیری این عناصر و الهام از طراحان‌های گذشته بجای تکرار صرف آنها می‌تواند راهگشا باشد.

۴-۳-۲. محراب

جدول ۴. جدول نتایج محراب



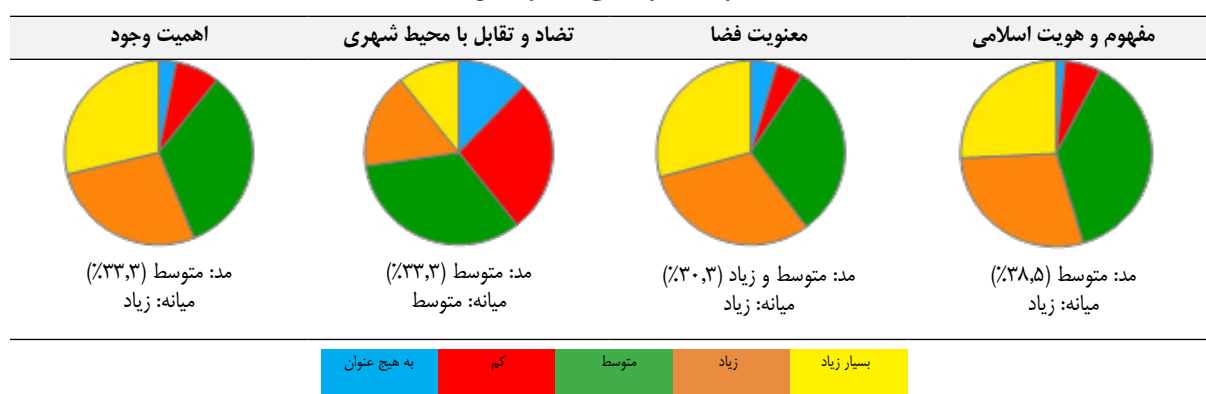


امر بر می‌شمرد: نقش ارتباطی بین گذرها، فضایی برای فعالیت اجتماعی، تعدد گروه‌های کاربران، و فضایی عمومی برای همه مذاهب نه فرقه‌ای خاص، تعدد ورودی، ورودی از جهات مختلف، ارتباط با کاربری‌های مجاور (بازار و گذرها و بافت شهری)، داشتن کاربری‌های مکمل و جاذب در درون خود (مدرسه و...)، امکان حضور در تمامی ساعات (همتی و دیگران ۱۳۹۲).

و همچنین به عنوان فضای واسط و تقسیم‌کننده عمل می‌کند (مرادی نسب و دیگران ۱۳۹۷).

۶۰٪ افراد تضاد حیاط با سیمای کلی شهر را متوسط یا کم ارزیابی کرده‌اند؛ توسلی از «آدام متز» نقل می‌کند که حیاط‌های مساجد اسلامی به عنوان فضای عمومی شهری عمل می‌کند و به باز بودن درب آن در شبانه روز اشاره می‌کند (توسلی و بنیادی ۱۳۹۳). «همتی» با تأکید بر نقش اجتماعی حیاط مساجد ویژگی‌های زیر را برای تحقق این

جدول ۵. جدول نتایج حیاط و صحن



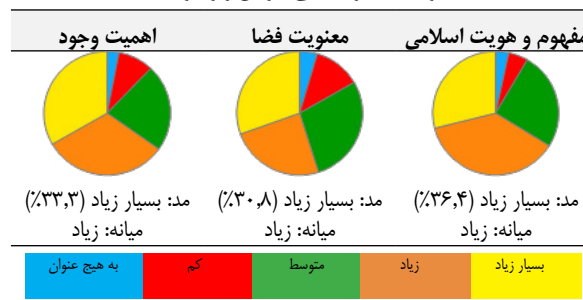
۶۹،۷٪ حوض و محراب را نشانه قوی هویت اسلامی می‌دانند. همچنین ۵۴٪ تأثیر محراب بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند. در حالیکه ۴۵٪ تأثیر معنوی آن را متوسط یا کم ارزیابی کرده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد علاوه بر نقش عملکردی آب (وضوخانه) که لازمه امور عبادی است استفاده از آب بصورت حوض و سنگاب که بیشتر جنبه نمادین و معنایی دارد. محققان پیشین نیز به تأثیر نمادین این موضوع اشاره کرده‌اند (Erzen 2011؛ حسینی و کاملی ۱۳۹۳؛ معماریان و پیرنیا ۱۳۸۴)، در نهایت ۶۵٪ افراد اهمیت وجود حوض و وضوخانه در مراکز اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد می‌دانند. از نظر مخاطب حوض و وضوخانه تأثیر هویتی زیادی بر فضا می‌گذارد. در نتیجه استفاده از عنصر حوض در کنار وضوخانه که بیشتر نقش عملکردی دارد می‌تواند به غنای هویتی و معنایی محیط را بیشتر کند.

۵-۳-۴. آرایه‌ها و تزئینات در فضاهای داخلی و فضاهای خارجی

در نهایت حدود ۵۶٪ افراد اهمیت وجود حیاط در مراکز اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد می‌دانند. حیاط یکی از عناصری است که در همزیستی و ارتباط بهتر مراکز اسلامی با جامعه محلی نقش اساسی ایفا می‌کند. حیاط مراکز اسلامی باید به محلی برای تعاملات اجتماعی در سطح شهر بدل شود. این رویکرد هم نقش سنتی حیاط در مساجد را احیا می‌کند و هم وجه مراکز اسلامی در جوامع غربی را بهبود می‌بخشد. با توجه به نقش چندبعدی حیاط و به منظور جلوگیری از تداخل عملکردی می‌توان عرصه‌های مختلفی از نظر هویتی و عملکردی تعریف شود.

۴-۳-۴. حوض و وضوخانه

جدول ۶. جدول نتایج حوض و وضوخانه



جدول ۷. جدول نتایج آرایه‌ها و تزئینات داخلی و خارجی

عنوان	مفهوم و هویت اسلامی	معنویت فضا	تضاد و تقابل با محیط شهری	اهمیت وجود
آرایه‌ها و تزئینات در فضاهای داخلی	 مد: زیاد (۳۷,۹٪) میان: زیاد	 مد: بسیار زیاد (۴۸,۵٪) میان: زیاد و بسیار زیاد	-	 مد: زیاد (۳۹,۴٪) میان: زیاد
تزئینات آرایه‌های خارجی	 مد: زیاد (۳۴,۸٪) میان: زیاد	 مد: متوسط (۳۳,۸٪) میان: زیاد	 مد: متوسط (۳۷,۹٪) میان: متوسط	 مد: متوسط (۳۶,۴٪) میان: زیاد
بسیار زیاد زیاد متوسط کم به هیچ عنوان				

اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد دانسته در حالیکه ۴۷٪ اهمیت آن را متوسط یا کم می‌دانند.

از نظر پاسخ‌دهندگان به طور کلی اهمیت و تأثیر معنوی و هویتی آرایه‌ها و تزئینات بخصوص در فضاهای داخلی بسیار زیاد است ولی تزئینات در فضاهای خارجی به طور کلی در همه شاخص‌ها اهمیت کمتری نسبت دارد. این امر در بخش اول سوالات هم مشاهده می‌شود. همانطور که بلر می‌گوید منحصربه‌فردترین ویژگی در معماری مسلمانان، تمرکز بر دکوراسیون داخلی است برخلاف نمای خارجی آن که معمولاً کم‌ترین است (Blair & Bloom 2003). لذا استفاده از تزئینات در نمای بیرونی باید کمتر باشد.

تزئینات اسلامی نقش مهمی در ارتقای ارزش زیبایی‌شناختی و معنوی معماری اسلامی دارد. به‌عنوان وسیله‌ای برای بیان فرهنگ، ارزش‌ها و هویت اسلامی عمل می‌کند (Zahra & Shahir 2022; Zahra 2022). تزئینات، از جمله نقوش هندسی، نقوش گل و خط، به سازماندهی و خوانایی فرم‌های معماری کمک می‌کند (Hamdy & Al-Assadi, 2023). این عناصر تزئینی صرفاً اضافات سطحی نیستند، بلکه بخش‌های جدایی‌ناپذیر فضای داخلی هستند که با زیبایی‌شناسی انسان درگیر هستند و نیازهای روان‌شناختی زیبایی را برآورده می‌کنند (Zahra & Shahir 2022; Zahra 2022). تزئینات اسلامی ارزش‌های زیبایی‌شناختی ثابتی را در دوره‌های زمانی مختلف حفظ کرده است و به هویت پایدار معماری اسلامی کمک می‌کند (Hamdy & Al-Assadi, 2023).

حدود ۷۵٪ آرایه‌ها و تزئینات داخلی را نشانه بسیار قوی هویت اسلامی می‌دانند و ۷۹٪ تأثیر آرایه‌های داخلی را بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند. حدود ۶۳٪ آرایه‌ها و تزئینات خارجی را نشانه بسیار قوی هویت اسلامی می‌دانند و ۵۱٪ تأثیر آرایه‌های خارجی را بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند؛ در حالیکه ۴۵٪ تأثیر آن را متوسط یا کم می‌دانند. تزئینات می‌تواند بار معنایی و نمادین بیشتری نسبت به سایر عناصر به انسان منتقل کند (ندیمی ۱۳۷۸). تزئینات به سبب وجوه معنایی و نمادین می‌تواند بر ذهنیت افراد تأثیر مثبت گذاشته و احساس معنویت بیشتری به فضا دهد (Burckhardt 2009). هرچند معنویت یک امر درونی و شخصی است که به مسئله ارتباط روحی با مسائل الهی ارتباط دارد ولی کالبد مکان نیز تا حدی می‌تواند زمینه را برای این حالت روحی فراهم کند یا آن را برهم بزند (ارجمندی و دیگران ۱۳۹۰). نقوش انتزاعی و هندسی در معماری اسلامی صرفاً جنبه زیبایی شناسانه ندارند بلکه حاوی پیام‌های استعاره‌ای است (Hillenbrand 1994). نجیب‌اوغلو^{۲۵} به پیوند بسیار عمیق نقوش اسلامی با عقاید و تمایلات فرهنگی اشاره می‌کند (Necipoglu & al-Asad 1996).

همچنین ۵۶٪ افراد معتقدند تضاد آرایه‌های خارجی با سیمای شهری متوسط یا کم است در حالیکه ۴۴٪ این تضاد را زیاد ارزیابی کرده‌اند. در نهایت ۷۳٪ افراد اهمیت وجود آرایه‌های داخلی در مراکز اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد می‌دانند و ۵۳٪ افراد اهمیت وجود آرایه‌های خارجی در مراکز

معنوی، آموزشی، اجتماعی، یا روانشناختی داشته باشند (Kassim et al 2014). در استفاده از تزئینات باید برخی از فضاها نظیر محراب کم‌تزئین بماند زیرا ممکن است باعث حواس‌پرتی نمازگزاران شود (Omer 2009) و در استفاده از ترکیب رنگ‌های خیره‌کننده در صحن اصلی عبادت پرهیز نمود (Norzalifa 2003). همچنین دقت به میزان هزینه برای تزئینات بسیار مهم است تا تجمل‌گرایی و اسراف تلقی نشود (Othman & Ahmad 2011).

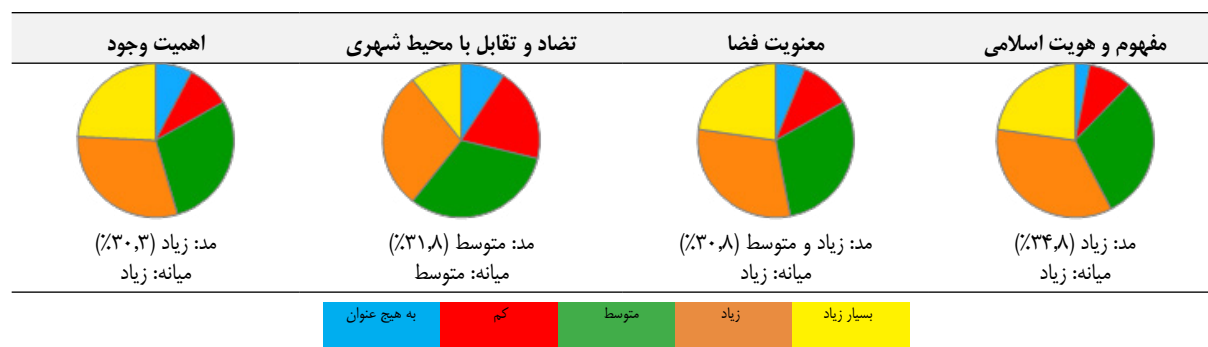
تزئینات را نمی‌توان از مسجد جدا کرد زیرا طی قرن‌ها به بخشی از وجود و هویت مسجد تبدیل شده است و تأکید می‌کند تزئینات در اسلام ممنوع نیست ولی باید در استفاده از تزئینات به تأثیرات مثبت و منفی، توأمان توجه کرد (Kassim et al 2014).

۴-۳-۶. ورودی و سردر

در قرن بیست و یکم، تأکید فزاینده‌ای بر طرح‌های سازگار با محیط زیست و فناوری مناسب در تزئینات معماری اسلامی وجود دارد (Basoeki & Mingchang 2021). درک کیفیات زیبایی‌شناختی و مذهبی تزئینات اسلامی برای هنرمندان و محققان در درک هنر اسلامی ارزشمند است (Zahra & Shahir 2022; Zahra 2022).

در مورد استفاده از تزئینات در مساجد اختلاف‌نظرهایی نیز وجود دارد به طور مثال برخی به مسجد پیامبر اشاره می‌کنند که کالبد بسیار ساده داشته و نقش عملکردی در آن بسیار قالب بوده است و با توجه به اینکه دین اسلام، مسلمانان را از کارهای زاید و بی‌هدف به شدت نهی می‌کند، پیامبر نیز مسلمانان را به شدت از تزئین و زیور گونه ساختن مساجد نهی می‌کرده است (Omer 2010؛ منان رئیسی و نقره کار ۱۳۹۳). با این وجود، وجوه منفی استفاده افراطی از تزئینات در معماری نظیر بیهودگی، اسراف، تجمل‌گرایی تزئینات می‌تواند تأثیرات مثبتی بر حالت روحی افراد بگذارد و کارکردهای

جدول ۸. جدول نتایج ورودی و سردر



نیست؛ بلکه باید به عنوان یک فضای انتقالی طراحی شود. ورودی عملکردهای متعددی از جمله راهنمایی کاربران، حفظ حریم خصوصی و بازتاب ویژگی معماری ساختمان را انجام می‌دهد (Alarmouty & Hammad 2020). طراحی ورودی به صورت فضایی برای ارتباط و انتقال طراحی شود، نه یک نقطه ورود در یک سطح دوبعدی. توجه به این نکته باعث تقویت ارتباط شهر با بنا و همزیستی بهتر با آن زمینه می‌شود.

توجه به طراحی سلسله‌مراتبی همانطور که در معماری اسلامی هم دیده می‌شود (محبوبی و دیگران ۱۳۹۵؛ میرشاه‌زاده و دیگران ۱۳۹۰). در نحوه ورود به مراکز اسلامی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. در ارتباط با سلسله‌مراتب فضایی باید در طراحی قسمت‌های جدیدتر این مهم در نظر گرفته شود که با تعریف فضاهای حرکت، توقف و استراحت از یک سو، و در نظر گرفتن فضاهای عمومی و خصوصی با

۵۸٪ ورودی و سردر را نشانه بسیار قوی هویت اسلامی می‌دانند. ۵۳٪ میزان تأثیر ورودی بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند در حالیکه ۴۷٪ تأثیر آن را متوسط یا کم ارزیابی کرده‌اند. همچنین بیش از ۶۱٪ افراد ورودی و سردر را در تضاد متوسط یا کمی با سیمای کلی شهر و محله ارزیابی کرده‌اند؛ و در نهایت ۵۵٪ افراد اهمیت سردر و ورودی در مراکز اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد می‌دانند.

ورودی نقطه «جدایی و پیوند» است (Von Meiss 2013). ورودی مرز و رابط فضای شهری با فضای داخلی بناست. در مراکز اسلامی با توجه به پیچیدگی مسئله ارتباط درون و بیرون دو چندان است. عنصر ورودی به عنوان رابط برون و درون مهمترین نقطه ارتباط بین سه عامل «کارایی، فرم، و معنا» است و تأثیر زیادی بر وجه معنایی و انتقال معنایی و حسی بنا دارد (محبوبی و دیگران ۱۳۹۵). ورودی در مراکز اسلامی صرفاً یک محل گذر یا یک عنصر تزئینی مثل سردر

ارزیابی می‌کنند ولی مجموعاً اتفاق نظر کاملی در این مورد وجود ندارد.

با توجه به تحقیقات پیشین در مورد این عناصر ایوان و رواق به واسطه چند عملکردی بودن و انعطاف کارایی، تقویت سلسله‌مراتب فضایی و دعوت‌کنندگی بنا کمک کند (خان‌محمدی و دیگران ۱۳۹۵؛ کیایی و دیگران ۱۳۹۶؛ رضایی نیا، ۱۳۹۶؛ محمودی ۱۳۸۴). در کنار این موارد افرادی نظیر اردلان برای ایوان معانی نمادینی نیز قائل هستند که توجه آن نیز ضروری است (Ardalan et al. 1973). استفاده از عناصر میانی نظیر ایوان و رواق در مراکز اسلامی می‌تواند به تقویت سلسله‌مراتب فضایی و انعطاف عملکردی فضا کمک می‌کند. عناصری مانند ایوان-یک تالار طاقدار باز به یک حیاط-به اهمیت معنوی و عملکردی مساجد کمک می‌کند (Othman 2023).

۵. جمع‌بندی

در نهایت با توجه به نتایج بدست آمده در این پژوهش راهکارهایی پیشنهاد می‌گردد که رعایت آن می‌تواند در بهبود طراحی مراکز اسلامی موثر باشد و سبب بهبود ارتباط مراکز اسلامی با جامعه میزبان در عین حفظ هویت شود. این اصول در سه محور و دو شاخصه تبیین و تعریف می‌گردد. محور اول، ویژگی‌های کیفی و معنایی فضا، محور دوم، کالبد و زبان تصویری، محور سوم، نقش عملکردی، کارایی و اجتماعی و شاخصه‌های هویت و همزیستی.

۵-۱. محور اول: ویژگی‌های کیفی و معنایی فضا

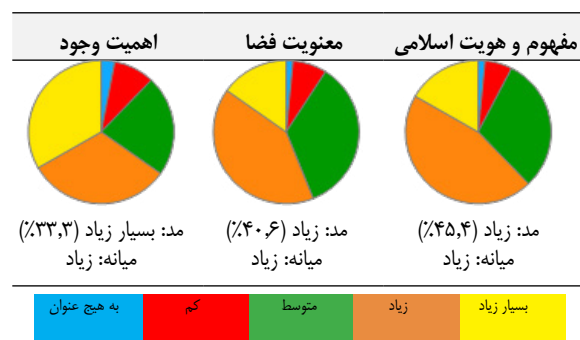
در محور اول به ارائه اصولی جهت بهبود هویت و همزیستی در حوزه بعد معنایی و کیفیت فضایی می‌پردازد.

سلسله‌مراتب دستیابی از خیابان اصلی به کوچه‌های فرعی و توجه به عرض گذرها موجبات تعاملات اجتماعی و وجود سلسله مراتب فضایی را فراهم ساخت.

ایجاد لایه‌ها و عرصه‌های مختلف از نظر ارتباط با شهر و همچنین توجه به تغییر هویتی و عملکردی میان این عرصه‌ها از راهکارهایی است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد تا به کارایی بهتر ورودی در انتقال هویتی فضایی و در نهایت سازگاری بهتر مراکز اسلامی با شهر کمک کند (علی‌دوست و دیگران ۱۳۹۷).

۴-۳-۷. ایوان و رواق

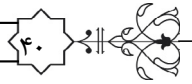
جدول ۹. جدول نتایج ایوان و رواق



حدود ۶۲٪ ایوان و رواق را نشانه بسیار قوی هویت اسلامی می‌دانند و ۵۶٪ تأثیر ایوان و رواق را بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند و در نهایت ۵۳٪ افراد اهمیت وجود ایوان در مراکز اسلامی را متوسط یا کم می‌دانند در حالیکه ۴۷٪ اهمیت آن را زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. اکثریت افراد تأثیر هویتی و معنوی ایوان و رواق را زیاد ارزیابی کرده‌اند هرچند اکثریت اهمیت کلی وجود ایوان و رواق را متوسط

جدول ۱۰. جدول اصول طراحی در محور ویژگی‌های کیفی و معنایی فضا

هویت	همزیستی
استفاده موثر از عناصر و آرایه‌ها که تداعی معنا می‌کند (بر اساس نتایج و تحلیل بخش‌های ۳-۱-۴، ۴-۱-۳، ۴-۱-۳-۵)	تأکید بر دعوت‌کنندگی و روحیه دوستانه در طراحی مرکز اسلامی (بر اساس نتایج و تحلیل بخش‌های ۵-۱-۵، ۵-۱-۶، ۵-۱-۵)
توجه به نمادگرایی در طراحی بنا (بر اساس نتایج و تحلیل مجموعه بخش ۳-۴)	طراحی بر اساس مفاهیم مدار و انعطاف‌پذیری در فرهنگ اسلامی (بر اساس نتایج و تحلیل بخش‌های ۵-۱-۵، ۴-۱-۶، ۴-۱-۱)
توجه و تأکید بر اصول معنایی و محتوایی اسلام به‌جای افراط در استفاده از تزئینات (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۴-۱-۸)	تأکید بر محتوا و عملکرد به‌جای تقلیل فرهنگ اسلامی به فرم و تزئین (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۴-۱-۸)
تأکید بر مرکز اسلامی به‌عنوان پایگاه هویتی مسلمانان (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۴-۱-۱)	طراحی با توجه بر ایجاد ظرفیت حضور گروه‌ها مختلف سنی (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۴-۲)
استفاده از تزئینات کلامی (آیات قرآن) با توجه به بار معنایی (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۴-۳-۵)	تأکید بر ظرفیت فرهنگی و مخاطب قرار دادن کل جامعه (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۴-۱-۵)
حفظ شخصیت اسلامی و مشخص بودن کاربری بنا در شهر (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۴-۱-۱)	طراحی مرکز اسلامی به‌عنوان فضایی برای گفتگو و شناخت فرهنگی (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۴-۱-۸)



۲-۵. محور دوم: فرم و زبان بصری

در محور دوم به ارائه اصولی جهت بهبود هویت و همزیستی

در کالبد، فرم، مصالح، هندسه و عناصر شاخص می‌پردازد.

جدول ۱۱. جدول اصول طراحی فرم و زبان بصری

هویت	همزیستی
طراحی با توجه به نظام هندسی معماری اسلامی (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۳-۴)	رعایت نظام ارتفاعی و خط آسمان شهر (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۷-۱-۴)
استفاده خلاقانه از عناصر معماری اسلامی نظیر گنبد و مناره با در نظر گرفتن ویژگی‌های بصری شهر میزبان به جای تکرار صرف فرم‌های بصری (بر اساس نتایج و تحلیل مجموعه بخش ۱-۳-۴)	رعایت هندسه و خطوط غالب بافت شهری (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۱-۴)
استفاده و الهام از فرم‌های سنتی و خاطره‌ساز (بر اساس نتایج و تحلیل مجموعه بخش ۳-۱-۴، ۴-۱-۴، ۳-۴)	رعایت هویت بصری سیمای شهر در نماسازی جداره‌های خیابان (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۱-۴، ۳-۴)
ایجاد عرصه‌های غنی از نظر تأثیر ویژگی‌های هویت اسلامی (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۱-۱-۴، ۲-۱-۴، ۳-۱-۴، ۴-۱-۴)	استفاده از مصالح بومی شهر میزبان (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۱-۴)
تأکید بر محور قبله در هندسه و فرم مرکز اسلامی (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۳-۴)	استفاده از المان‌ها و ویژگی‌های بصری شهر میزبان (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۱-۴)
استفاده از تزئینات اسلامی در جهت حفظ زبان بصری معماری اسلامی (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۳-۱-۴، ۴-۱-۴، ۵-۳-۴)	ایجاد عرصه‌هایی که از نظر ویژگی‌های بصری تلفیقی از هویت اسلامی و هویت بومی باشد (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۱-۱-۴، ۲-۱-۴، ۳-۱-۴، ۴-۱-۴)
گسترش‌پذیری و بخش‌پذیری فضایی و انعطاف عملکردی فضاها	استفاده ترکیبی از المان‌های کشورهای میزبان و تمدن اسلامی (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۱-۴)
توجه به ارتفاع، حجم و نحوه پرداخت «گنبد» و «مناره» با رعایت نظام ارتفاعی و بصری زمینه (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۱-۳-۴)	

۳-۵. محور سوم: فعالیت‌ها، عملکرد، و نقش اجتماعی

در محور سوم به ارائه اصول طراحی در جهت بهبود هویت

و همزیستی در فعالیت‌ها، عملکرد، کاربری و نقش اجتماعی مراکز اسلامی می‌پردازد.

جدول ۱۱. جدول اصول طراحی فرم و زبان بصری

هویت	همزیستی
قرارگیری مرکز عبادی در قلب مرکز اسلامی به‌عنوان مهمترین کاربری سایت (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۳-۴)	بسترسازی برای افزایش حضور گروه‌های مختلف اجتماعی (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۳-۳-۴، ۲-۴، ۷-۱-۴، ۵-۱-۴)
اختصاص فضاهایی برای برگزاری گردهمایی‌های اجتماعی گروه‌های مسلمان (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۴، ۳-۳-۴)	اختصاص فضایی برای برگزاری بازارچه‌های فرهنگی به منظور آشنایی بهتر شهروندان با فرهنگ جامعه مسلمان (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۴)
اختصاص فضاهای آموزشی برای گروه‌های کودک و نوجوان مختلف به منظور حفظ و تقویت فرهنگ و آموزه‌های اسلامی (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۴)	امکان برگزاری فستیوال‌ها و برنامه‌های شهری در مرکز به منظور درهم‌تنیدگی بیشتر با بافت اجتماعی شهر (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۱-۴، ۷-۱-۴، ۲-۴، ۳-۳-۴)
اختصاص فضایی به اندیشکده برای گروه‌های دانشگاهی به منظور انجام تحقیقات و تبیین فرهنگ اسلامی و ایجاد فضای گفتگو و مباحثه (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۴)	پیشبینی کاربری‌های متنوع که شهروندان غیرمسلمان هم امکان استفاده از آن را داشته باشند؛ نظیر رستوران و کافه‌های حلال که سبب آشنایی جامعه میزبان با فرهنگ و تمدن اقوام مسلمان و احساس ارتباط و پیوند بیشتر شهروندان با جامعه مسلمان می‌شود (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۱-۴، ۷-۱-۴، ۲-۴، ۳-۳-۴)
اختصاص بخشی به‌عنوان مرکز کنفرانس‌های بین‌المللی جهت برگزاری همایش در سطح جهان اسلام (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۴)	تأمین پارکینگ که موجب عملکرد بهتر و جلوگیری از مزاحمت‌های شهری است (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۴)
اختصاص فضاهایی برای رفع نیازهای شهروندان مسلمان (فضاهای ورزشی، فروشگاه حلال، رستوران) (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۴)	هم‌خوانی کاربری هر جبهه با کاربری‌های هم‌جوار آن (بر اساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۱-۴)



فراهم آوردن فرصت حفظ نمادهای و ارزش‌های اسلامی در کنار نمادهای ملی کشور میزبان، احساس محرومیت را از اقلیت مسلمانان دور می‌کند و سبب نزدیکتر شدن جامعه مسلمان به فرهنگ ملی و کاهش تنش فرهنگی با جامعه میزبان می‌شود. تلاش برای یافتن و استفاده از المان‌ها و ارزش‌های مشترک، هماهنگی با بافت و سیمای شهری ضمن حفظ هویت اسلامی، تقویت رویکرد اجتماعی مراکز اسلامی و ایجاد ارتباط مستقیم با شهر و سایر شهروندان سبب می‌شود تا جامعه میزبان بتواند ارتباط بهتری با مرکز اسلامی برقرار کند و مرکز اسلامی را به‌عنوان یک مرکز فرهنگی و نه صرفاً یک مرکز دینی که متعلق به مسلمانان است در نظر گیرند. در نتیجه شهروندان غیرمسلمان نیز فرصت برخوردی نزدیکتر و واقعی‌تر از جامعه مسلمان پیدا می‌کنند؛ این امر در نهایت موجب تقویت هویت اسلامی و همزیستی فرهنگی بهتر با جوامع میزبان خواهد شد.

۷. تحقیقات آینده

این تحقیقات فقط به بررسی دیدگاه‌های مسلمانان ساکن انگلستان به مسئله همزیستی و حفظ هویت در مراکز اسلامی پرداخت و پیشنهاد می‌شود تا تحقیقات دیگری با تمرکز بر دیدگاه‌های کشورهای دیگر و یا جامعه میزبان غیرمسلمان در همین موارد انجام گردد تا به شناخت کاملتری از دیدگاه‌ها و نیازهای جامعه میزبان نیز دست یافت.

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شده تا ضمن بهره‌گیری از دیدگاه‌های مخاطب و بررسی نظریات صاحب‌نظران در این زمینه، با انجام یک تحلیل جامع و تطبیقی یک چارچوب نظری به دست بیاید و سپس راهکارهای عملی در مسئله طراحی ارائه شود تا راهنمایی برای طراحان و معماران و تصمیم‌گیران در ساخت و طراحی مراکز اسلامی باشد. طراحان و دست‌اندرکاران مراکز اسلامی بایستی تلاش کنند تا از رویکردهای انحصارگرایانه و جذمی نسبت به هویت اسلامی پرهیز شود. استمرار هویت اسلامی به معنی تکرار عین به عین اجزا و اشکال نیست بلکه شناخت اصول ساختاری هویت اسلامی است؛ هرچند تکرار مصداقی بعضی از عناصر گاهی گریزناپذیر است؛ اما هویت اسلامی نباید به فرم‌گرایی تقلیل یابد و توجه به مبانی دیدگاه اسلام اهمیت بیشتری دارد.

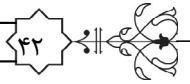
شناخت جامع از ارزش‌ها و حساسیت‌های اکثریت و اقلیت در کنار هم و پذیرش تفاوت‌ها منجر به یافتن راهکارهای بهتر برای همزیستی خواهد شد. توجه نکردن به دیدگاه‌های مخاطب، شناخت ناقص و رویکردهای یک‌جانبه در طراحی مراکز اسلامی بجای رفع نیازهای اصلی مخاطبان، سبب فروکاهش موضوع به مسئله‌ای سلیقه‌ای و افزایش رویکردهای رادیکال و واکنشی خواهد شد؛ نظیر آنچه تاکنون در بسیاری از مراکز اسلامی رخ داده است.

پی‌نوشت

۱۴ Çizgen
۱۵ Morbidoni
۱۶ Sandercock
۱۷ Bridgman
۱۸ Omer
۱۹ Fugate
۲۰ Ahmed
۲۱ Verkaaik
۲۲ Khalidi
۲۳ Kahera
۲۴ Raza
۲۵ Necipoglu

۱ Proshansky
۲ Schulz
۳ Steyn
۴ Cullen
۵ Tolerance
۶ Peter King
۷ Heinz Wetzel
۸ Context
۹ Porter
۱۰ Capon
۱۱ Formal Context
۱۲ Visual Context
۱۳ Huaman Context

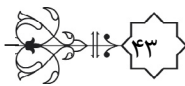




منابع

۱. ارجمندی، هانیه. ۱۳۹۰. نور و رنگ: تأثیرات معنوی و روانشناختی نور و رنگ خانه‌های سنتی ایرانی بر ساکنان. ترجمه محمد مهدی میرلو و سمیه اسدزاده. *اطلاعات حکمت و معرفت* ۶۹ (۶): ۲۵-۳۰.
۲. بهشتی، سید صمد، و یاسر رستگار. ۱۳۹۲. تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی. *مسائل اجتماعی ایران* ۴ (۲): ۷-۳۵.
۳. تقدیر، سمانه. ۱۳۹۶. تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه. *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۵ (۱): ۴۸-۶۷.
۴. توسلی، محمود، و ناصر بنیادی. ۱۳۹۳. *طراحی فضای شهری: فضاهای شهری و جایگاه آنها در زندگی و سیمای شهر*. تهران: شهیدی.
۵. حاتمی‌نژاد، حسین، احمد پوراحمد، کرامت‌اله زیاری، و بهار حبیبیان. ۱۳۹۷. بررسی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر دل‌بستگی مکانی در راستای تحقق محله پایدار، مطالعه موردی: شهر اهواز. *معماری و شهرسازی پایدار* ۶ (۲): ۶۵-۸۳.
۶. حسینی، سید باقر، و محسن کاملی. ۱۳۹۳. تأثیر عناصر کالبدی معماری مساجد سنتی و مدرن ایران بر ذهن کودکان. *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۲ (۱): ۱۴۹-۱۶۲.
۷. حیاتی، حامد، مرضیه فاخری رئوف، و بهاره کاروانی. ۱۳۹۸. نقش قبله در جهتگیری مساجد سنتی شهر دزفول. *باغ نظر* ۱۶ (۷۰): ۴۹-۶۰.
۸. خاکپور، مینو، و فاطمه کاتب. ۱۳۹۶. بررسی تطبیقی معماری دینی در مسیحیت و اسلام با نقد نظریات تیتوس بورکهارت (مطالعه موردی: اصفهان). *باغ نظر* ۱۴ (۵۰): ۵۷-۷۰.
۹. خان‌محمدی، محمدعلی، سیروان عظیمی، یاسر رحمانیانی، و مختار حسینی. ۱۳۹۵. مطالعه کمی و کیفی نقش ایوان در خانه‌های سنتی و احیای آن در کالبد تراس (مطالعه موردی: آپارتمان‌های میان‌مرتبه شهر تهران). *هویت شهر* ۱۰ (۲۶): ۳۲-۲۱.
۱۰. رستم‌نژاد، مهدی. ۱۳۹۰. اصول حاکم بر گفت و گو و همزیستی با پیروان ادیان با تأکید بر قرآن کریم. *طلوع نور* ۱۰ (۳۶): ۱۷-۳۲.
۱۱. رضایی‌نیا، عباسعلی. ۱۳۹۶. صورت ایوان در معماری ایرانی، از آغاز تا سده‌های نخستین اسلامی. *مطالعات معماری ایران* ۶ (۱۱): ۱۲۵-۱۴۴.
۱۲. رئیسی، محمدمنان، و عبدالحمید نقره‌کار. ۱۳۹۳. ارزیابی هندسی فضایی مساجد معاصر تهران با استفاده از تحلیل مضمونی متون دینی. *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۲ (۳): ۲۸-۴۴.
۱۳. ساروخانی، باقر. ۱۳۸۰. *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، جلد ۲. تهران: کیهان.
۱۴. سجودی، عادل، محسن نیازی، و سحر نقی‌پور ایوکی. ۱۴۰۳. فراتحلیل مطالعات رابطه سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی در ایران (با تأکید بر متغیر تعدیل‌گر گروه سنی). *دین و ارتباطات* ۳۱ (۱): ۲۰۹-۲۳۶.
۱۵. سلمانی، امیر، محمدحسین رحیمی، و مهدی خاک‌زند. ۱۳۹۴. بررسی اهمیت، اولویت، و اصالت فضای باز در مسجد. *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۳ (۴): ۳۴-۴۹.
۱۶. طاهرطلوع‌دل، محمدصادق، علی صادقی حبیب‌آباد، و جمال‌الدین مهدی‌نژاد. ۱۳۹۵. بازشناسی ماهیت انگاره‌های قدسی در معماری اصیل اسلامی ایران مبتنی بر شناسایی هویت پایدار کالبد مساجد جامع ایرانی. *معماری و شهرسازی پایدار* ۴ (۲): ۱۷-۳۰.
۱۷. علی‌دوست، ریحانه سادات، امیررضا کریمی آذری، و رضا پرویزی. ۱۳۹۷. بررسی مؤلفه‌های هویت و مکان در بافت‌های تاریخی با رویکرد پدیدارشناسانه با هدف دستیابی به اصول طراحی بافت‌های جدید شهری، نمونه موردی: محله ساغری‌سازان رشت. *معماری و شهرسازی پایدار* ۶ (۱): ۳۹-۶۰.
۱۸. فتاحی، شمس‌اله، و علی عمرانی‌پور. ۱۳۹۳. تحلیل نقش محور قبله در سازماندهی فضایی مساجد معاصر شهر ایلام. *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۱ (۲): ۹۵-۱۱۱.
۱۹. فلاحت، محمدصادق. ۱۳۸۴. نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد. *هنرهای زیبا* ۲۲ (۲۲): ۳۵-۴۲.
۲۰. قیم، عبدالنبی. ۱۳۸۰. ایرانشناسی: نگاهی جامعه‌شناختی به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان. *مطالعات ملی* ۲ (۷): ۱۸۵-۲۲۶.
۲۱. کیایی، مریم، یعقوب پیوسته‌گر، و علی‌اکبر حیدری. ۱۳۹۶. جایگاه پایه‌ای ایوان در ارتقای راندمان عملکردی در مساجد. *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۵ (۱): ۶۸-۸۳.



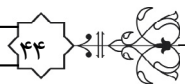


۲۲. محبوبی، قربان، مصطفی مختاباد امرئی، و مصطفی عطارعباسی. ۱۳۹۵. بازشناخت هستمندی همزیستی درون و بیرون معماری مساجد ایران (با تأکید بر روش فازی). *کیمیای هنر* ۵ (۲۱): ۷۵-۵۷.
۲۳. محمودی، عبدالله. ۱۳۸۴. بازنگری اهمیت ایوان در خانه‌های سنتی (با نگاه ویژه به بیم). *هنرهای زیبا* (۲۲): ۶۲-۵۳.
۲۴. مرادی‌نسب، حسین، محمدرضا بمانیان، و ایرج اعتصام. ۱۳۹۷. نقش کیفی هندسه در پایایی شکلی هندسی حیاط مرکزی مساجد ایران. *اندیشه معماری* ۲ (۴): ۶۲-۵۳.
۲۵. معماریان، غلامحسین، و محمدکریم پیرنیا. ۱۳۸۴. *آشنایی با معماری اسلامی ایران*. تهران: سروش دانش.
۲۶. ممانی، حمید، فهیمه یاری، و سعید حقیر. ۱۳۹۷. مؤلفه‌های معماری ایرانی-اسلامی و نقش هویت‌بخش تزئینات. *هنر و تمدن شرق* ۶ (۲۱): ۴۶-۳۷.
۲۷. میرشاه‌زاده، شروین، سیدغلامرضا اسلامی، و علیرضا عینی‌فر. ۱۳۹۰. نقش فضای مرزی-پیوندی، در فرایند آفرینش معنا، ارزیابی توان معناآفرینی فضا به کمک رویکرد نشانه‌شناسی. *هویت شهر* ۵ (۹): ۱۶-۵.
۲۸. ندیمی، هادی. ۱۳۷۸. حقیقت نقش. *فرهنگستان علوم* ۱۴ (۶): ۳۴-۱۹.
۲۹. نقره‌کار، عبدالحمید، علی‌محمد رنجبر کرمانی، و مهدی حمزه‌نژاد. ۱۳۸۸. *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۳۰. نقره‌کار، عبدالحمید، مهدی حمزه‌نژاد، و صبا خراسانی مقدم. ۱۳۹۲. گونه‌شناسی مفهومی ورودی مساجد در ایران با استفاده از مفاهیم قدسی. *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۱ (۱): ۱۰۲-۷۷.
۳۱. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۵. نسبت اسلام با فرایندهای انسانی فرانظریه سلام (SALAM) طرح مدلی (بنیادی-کاربردی) در (ساختار، منابع، مبانی، و ارزیابی) آثار هنری، معماری، و شهرسازی از منظر اسلامی (راهبردها، راهکارها، راهحل‌ها، و نقد فرایندهای انسانی). *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۴ (۳): ۲۴-۴.
۳۲. نقره‌کار، عبدالحمید، فرهنگ مظفر، و سمانه تقدیر. ۱۳۹۶. تناظر انسان و هستی در اندیشه اسلامی و بازتاب آن در معماری اسلامی. *آرمانشهر* ۱۰ (۱۹): ۹۳-۷۹.
۳۳. نقوی، پویان، و حامد مظاهریان. ۲۰۱۹. تحلیل نظریات معاصر در مواجهه با زمینه در طراحی معماری. *باغ نظر* ۱۶ (۷۴): ۸۰-۶۹.
۳۴. ویسه، سهراب، ناهید خدابنده، حمیدرضا حکاک‌فرد، و فرهنگ طهماسبی. ۱۳۸۸. ارائه روش‌های مناسب در استفاده از مصالح بوم‌آورد. *مسکن و محیط روستا* ۲۸ (۱۲۶): ۱۹-۲.
۳۵. همتی، شهاب‌الدین، حسین ذبیحی، و محسن کاملی. ۱۳۹۲. تحلیلی بر نقش حیاط مساجد در شهرهای اسلامی به‌عنوان فضای شهری، مطالعه موردی: صحن انقلاب اسلامی، حرم حضرت معصومه(س) قم. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی* (۱۴): ۵۰-۴۳.

References

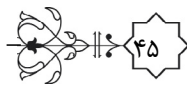
1. Adida, C. L., D. D. Laitin, and M. A. Valfort. 2014. Muslims in France: Identifying a Discriminatory Equilibrium. *Journal of Population Economics* 27(4): 1039- 1086.
2. Agius, E., and J. Ambrosewicz. 2003. *Towards a Culture of Tolerance and Peace*. Canada: International Bureau for Children's Rights.
3. Ahmed, Abdul-Azim. 2019. "Conceptualising Mosque Diversity." *Journal of Muslims in Europe* 8 (2): 138-58.
4. Alarmouty, T., and R. Hammad. 2020. Employing Heritage Elements in Contemporary Architecture. 3-Mosque's Gates: Case Study in Amman City, Jordan. *Journal of Engineering and Architecture* 8 (2): 17- 21.
5. Alidoost, R. S., A. Karimi Azeri, and Reza Parvizi. 2018. Phenomenological Study of the Concept of Identity in Historical Textures by Location Components in the Design of New Urban Textures (Case Study: Saghari Sazan Neighborhood of Rasht). *Sustainable Architecture and Urban Design* 6 (1): 39-60.
6. Alrasheedi, G., and F. Almutawa. 2020. Weekend Islamic Schools in Europe: Challenges and Means of Development. *Improving Schools* 23(2): 190-203.
7. Ardalan, N. 1980. The Visual Language of Symbolic Form: A Preliminary Study of Mosque Architecture. Architecture as Symbol and Self-Identity. In *Proceedings of the Seminar Held in Fez*, October 9-12, 1979, 18-36.
8. Ardalan, N., and L. Bakhtiar. 1973. *The Sense of Unity: The Sufi Tradition in Persian Architecture* (Vol. 9). Chicago: University of Chicago Press.





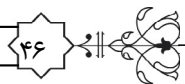
9. Arjmandi, Hanieh. 2011. Light and Color: The Spiritual and Psychological Effects of Light and Color in Traditional Iranian Houses on Residents. Translated by M. M. Mirloo and S. Asadzadeh. *Ettealat Hekmat va Marefat* 69 (6): 25-30.
10. Avcioglu, N. 2007. Identity-as-Form: The Mosque in the West. *Cultural Analysis* (6): 91-112.
11. Bano, M. 2022. Islamic Authority and Centers of Knowledge Production in Europe. *Journal of Muslims in Europe* 11(1): 20-35.
12. Basoeki, O. D. H., and W. Mingchang. 2021. Internalization Of Islamic Values in the 21st Century Construction Ornaments. *Religio Education* 1(2): 97-105.
13. Beheshti, S. Y., and Y. Raftegar. 2013. Sociological Explanation of Social Tolerance and Its Dimensions among Iranian Ethnic Groups. *Journal of Social Problems of Iran* 4 (2): 7-35.
14. Biondo III. 2006. The Architecture of Mosques in the US and Britain. *Journal of Muslim Minority Affairs* 26(3): 399-420.
15. Blair, S. S., and J. M. Bloom. 2003. The Mirage of Islamic art: Reflections on the Study of an Unwieldy Field. *The Art Bulletin* 85(1): 152-184.
16. Burckhardt, T. 2009. *Art of Islam: Language and Meaning*. World Wisdom, Inc.
17. Canter, D. 1977. *The Psychology of Place*. St Martin'S Press.
18. Capon, David Smith. 1999. *Architectural Theory: Le Corbusier? Legacy: Principles of Twentieth-Century*. John Wiley.
19. Chang, H.-J., Huang, K.-C., and C.-H. Wu. 2006. Determination of Sample Size in Using Central Limit Theorem for Weibull Distribution. *International Journal of Information and Management Sciences* 17 (3).
20. Çizgen, Gültekin. 2012. "Rethinking the Role of Context and Contextualism in Architecture and Design." PhD Thesis, Eastern Mediterranean University (EMU).
21. Cullen, G. 1995. *The Concise Townscape*. Routledge.
22. Dousti Motlagh, P. 2009. The Study of Entrance History. *Armanshahr* 2(2): 91-104.
23. Effendi, M. N. 2023. Reposisi Peranan Dan Fungsi Perpustakaan Masjid Dalam Mencerdaskan Umat Islam. *Jurnal El-Pustaka* 1(1): 01-13.
24. Erzen, J. 2011. Reading Mosques: Meaning and Architecture in Islam. *The Journal of Aesthetics and Art Criticism* 69(1): 125-131.
25. Falahat, M. S. 2005. The Role of Physical Design in the Mosque's Sense of Place. *Honar-Ha-Ye-Ziba* 22 (22): 35- 42.
26. Farrag, E. 2017. Architecture of Mosques and Islamic Centers in non-Muslim Context. *Alexandria Engineering Journal* 56(4): 613-620.
27. Fathy, H. 2010. *Architecture for the Poor: An Experiment in Rural Egypt*. University of Chicago Press.
28. Fattahi, S., and A. Omrani Pour. 2014. Analysis of the Role of Qebila in the Spatial Organization of Contemporary Mosques in Ilam City. *Journal Of Researches in Islamic Architecture* 1(2): 95-111.
29. Firdaus, M., B. Amin, and Muhammad Chaidar Febriansyah. 2022. Penerapan Konsep Arsitektur Islam Dalam Desain Masjid Islamic Center Di Kabupaten Bantaeng. *TIMPALAJA: Architecture Student Journals* 4(2): 133-142.
30. Forsyth, D. R. 2018. *Group Dynamics*. Cengage Learning.
31. Fugate, G. N. 2014. Creating an Islamic Sense of Place: Building Conversion and the American Mosque. In *ARCC Conference Repository*.
32. Ghayyem, A. 2001. Iranology: A Sociological Look at the Life and Culture of the Arab People of Khuzeestan. *National Studies Journal* 2 (7): 185-226.
33. Hamdy, Rawaa Fadhel, and Fawzia Irhayyim Al-Assadi. 2023. Aesthetic Values in Islamic Ornamentation - Abbasid Architecture as a Model. 020073.
34. Hamzenajad, M., A. H. Noghrekar, and S. Khorasani Moghadam. 2014. Conceptual Typology of the Entrance of Mosques in Iran Using Sacred Concepts. *Journal of Researches in Islamic Architecture* 1(1): 75-100.
35. Hataminejad, H., A. Pourahmad, K. Ziari, and B. Habibian. 2018. Investigating the Effect of Physical Components on Place Attachment in Order to Fulfilling Sustainable Neighborhood, Case Study: Ahwaz City. *Sustainable Architecture and Urban Design* 6 (2): 65-83.
36. Hayati, H., M. Fakheri Raouf, and B. Karavani. 2019. The Role of Qibla in the Orientation of the Traditional Mosques in Dezful City. *Bagh-E-Nazar* 16(70): 55-70.





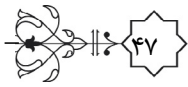
37. Hemmati, S., H. Zabihi, and M. Kameli. 2014. An Analysis on the Role of The Mosques Courtyard in Islamic Cities as Urban Spaces (A Case Study: Islamic Revolution Courtyard in the Sanctuary of Hazrate Masoumeh (S) In Qom). *Journal of Studies on Iranian Islamic City* (14): 43–50.
38. Hillenbrand, R. 1994. *Islamic Architecture: Form, Function, and Meaning*. New York: Columbia University Press.
39. Hosseini, S. B., and M. Kameli. 2014. The Effect of Structural Elements in Traditional and Modern Mosques on the Minds of Children in Iran. *Journal of Researches in Islamic Architecture* 2(1): 149–162.
40. Kahera, A. I., L. Abdulmalik, and C. Anz. 2009. *Design Criteria for Mosques and Islamic Centers: Art, Architecture and Worship*. Routledge.
41. Kamal, M. A. 2021. Minarets As a Vital Element of Indo-Islamic Architecture: Evolution and Morphology. *Journal Of Islamic Architecture* 6(3): 203–209.
42. Kassim, N., N. Abdullah, and M. Taib. 2014. Decoration in Praying Hall of Mosque: A Review of Current Literature. *Procedia- Social and Behavioral Sciences* (153):55-60.
43. Kero, P., & Lee, D. (2016). Likert is Pronounced “LICK-urt” not “LIE-kurt” and the Data are Ordinal not Interval. *Journal of Applied Measurement*, 17(4), 502–509.
44. Khakpour, M., and F. Kateb. 2017. A Comparative Study of Religious Architecture in Christianity and Islam A Criticism of Titus Burckhardt’s Theory. *Bagh-E Nazar* 14(50): 57–68.
45. Khalidi, O. 1998. 13 Approaches to Mosque Design in North America. *Muslims on the Americanization Path*. New York: Oxford Academic.
46. Khan, H. 2008. Contemporary Mosque Architecture. *Isim Review* 21(1): 52–53.
47. Khanmohammadi, M., S. Azimi, Y. Rahmani, and M. Hossaini. 2016. Studying The Qualitative and Quantitative Roles of Ivan in Traditional Houses and Revitalization of Them in the Shape of the Terrace (Case Study: Mid-Rise Apartments in Tehran). *Hoviatshahr* 10(26): 21–32.
48. Kiaee, M., Y. Peyvastehegar, and A. A. Heidari. 2017. Eyvan Basic Position to Improve Operational Efficiency in Mosques. *Journal of Researches in Islamic Architecture* 5(1): 68–83.
49. Lewicka, M. 2008. Place Attachment, Place Identity, and Place Memory: Restoring the Forgotten City Past. *Journal of Environmental Psychology* 28(3): 209–231.
50. Liu, E., & Freestone, R. (2016). Revisiting Place and Placelessness. In *Place and Placelessness Revisited*. Routledge.
51. Lotfi, A. 2001. Creating Muslim space in the USA: Masjid and Islamic Centers. *Islam and Christian-Muslim Relations* 12(2): 235–254.
52. Mahboobi, G., M. Mokhtabad, and M. Attarabbasi. 2017. Realization of the Symbiosis of Interior and Exterior in the Architecture of Mosques in Iran (with an Emphasis on Fuzzy Method). *Kimiahonar* 5(21): 57–75.
53. Mahboobi, G., M. Mokhtabad, I. Etesam, and M. Attarabbasi. 2018. Symbiosis of Inside and Outside in Architecture of The Naqsh-E Jahan Square. *Bagh-E Nazar* 15(58): 51–64.
54. Mahmoudi, A. 2005. A Review of the Significance of The El Van in Traditional Houses (In Particular as Related to the City of Bam). *Honar-Ha-e-Ziba* (22): 53–62.
55. Mamani, H., F. Yari, and S. Haghiri. 2018. Components of Iranian-Islamic Architecture and the Identity-Constructing Role of Embellishments. *Journal of Art and Civilization of the Orient* 6(21): 37–46.
56. Memarian, G. H., and M. K. Pirnia. 2013. *Introduction to Iranian Islamic Architecture*. Tehran: Soroush-e Danesh.
57. Mirshahzadeh, S., S. G. Eslami, and A. Einifar. 2012. The Role of Borderline-Hybrid Space in Signifying Process: Evaluation of Interpretation Potentiality of the Space Employing Semiotic Approach. *Hoviatshahr* 5(9): 5–16.
58. Montgomery, J. 1998. Making A City: Urbanity, Vitality and Urban Design. *Journal of Urban Design* 3(1): 93–116.
59. Moradinassab, H., M. Bemanian, and I. Etesam. 2019. Qualitative Role of Geometry in Formal Stability of the Central Courtyard of Iranian Mosques. *Journal of Architectural Thought* 2(4): 53–62.
60. Morbidoni, M. 2013. The Mosque in the European City: Testing the Cohabitation. *Planum. The Journal of Urbanism* 27(2): 25–33.
61. Munson, C., and B. H. Chetkow-Yanoov. 1999. *Celebrating Diversity: Coexisting in a Multicultural Society*. New York: Routledge.





62. Nadimi, H. 1999. The Truth of the Pattern. *Letter from the Academy of Sciences* 14(6): 19–34.
63. Naghavi, Pooyan, and Hamed Mazaherian. 2019. “Analysis of Contemporary Theories When Encountering the Context in Architectural Design.” *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar* 16 (74): 69–80. <https://doi.org/10.22034/bagh.2019.174193.4023>.
64. Nata, A. 2021. Peran dan Fungsi Masjid di Indonesia Dalam Perspektif Pendidikan Islam. *Ta'dibuna: Jurnal Pendidikan Islam* 10(3): Article 3.
65. Necipoglu, G., and M. al-Asad. 1996. *The Topkapi Scroll-Geometry and Ornament in Islamic Architecture*. Oxford University Press.
66. Noghrehkar A. 2016. The Interrelation between Islam and Human Processes Theory of (Salam). *Journal of Researches in Islamic Architecture* 4(3): 4-24.
67. Noghrehkar, A., A. M. Ranjbarkermani, and M. Hamzenajad. 2008. *An Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urbanism*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development.
68. Noghrehkar, A., F. Mozaffar, and S. Taghdir. 2017. Communication of Man and Universe in Islam: The Reflection in Islamic Architecture, Based on Transcendent Wisdom. *Armanshahr* 10(19): 79–93.
69. Norzalifa, Z. A. 2003. *The Expression of The Interior Decoration in The Traditional Mosque in Malacca-A Critical Reviews of Its Elements in Relation to Islamic Arts*. MA Thesis, Universiti Teknologi MARA.
70. Othman, A. S. 2023. Rooting the Term and the Architectural Element “Iwan” in Ancient Civilizations. *International Journal of Multidisciplinary Studies in Heritage Research* 6 (2): 57–75.
71. Othman, R., and Y. Ahmad. 2011. Importance of Motif and Ornamentation in Mosque Architecture. *Journal of Design+ Built* (2).
72. Porter, Tom. 2004. *Archispeak: An Illustrated Guide to Architectural Terms*. Routledge.
73. Proshansky, H. M. 1978. The City and Self-Identity. *Environment and Behavior* 10(2): 147–169.
74. Punter, J. 1991. Participation in the Design of Urban Space. *Landscape Design* 200(1): 24–27.
75. Raeisi, M. M., and A. Noghrehkar. 2014. Geometric-Spatial Evaluation of Tehran Contemporary Mosques by Using Thematic Analysis of Religious Texts. *Journal of Researches in Islamic Architecture* 1(4): 30–46.
76. Raza, M. S. 1991. *Islam in Britain: Past, Present and the Future*. Volcano Press.
77. Rezaeinia, A. A. 2017. The Form of Iwan in the Context of Iranian Architecture, From the Beginning to the Early Islamic Centuries. *Journal of Architecture Studies* 6(11): 125–144.
78. Rostam Nejad, Mehdi. 2011. Principles Governing Dialogue and Coexistence with Followers of Religions (With Emphasis on the Holy Quran). *Journal of Islamic Wisdom and Philosophy* 10 (36): 17-32.
79. Roy, Olivier. 2017. *Jihad and Death: The Global Appeal of Islamic State*. Oxford University Press.
80. Saint, J., A. England, A. M. Ali, and L. Bonnett. 2022. The Effect of Different Statistical Approaches on Image Quality Data Obtained from Radiological Examinations. *Radiography* 28(2): 518–523.
81. Salmani, A., M. H. Rahimi, and M. Khakzand. 2016. Analysis of the Importance, Priority and Originality of Open Space in the Mosque. *Journal of Researches in Islamic Architecture* 3(4): 34–49. Sid.
82. Sandercock, L., and R. Bridgman, R. 1999. Towards Cosmopolis: Planning for Multicultural Cities. *Canadian Journal of Urban Research* 8(1): 108.
83. Sarookhani, B. 2001. *The Social Sciences Encyclopedia*. Tehran: Keyhan.
84. Schulz, C. N. 1980. *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*. London: Academy Editions.
85. Serageldin, I. 1996. Introduction: A Critical Methodology for Discussing the Contemporary Mosque. *Architecture of the Contemporary Mosque*: 12–19.
86. Siapera, E. 2006. Multiculturalism Online: The Internet and the Dilemmas of Multicultural Politics. *European Journal of Cultural Studies* 9(1): 5–24.
87. Sojoodi, A., M. Niazi, and S. Naghipoor. 2024. Meta-Analysis of Studies on the Relationship Cultural Capital and Social Tolerance (With an Emphasis on Age Category Moderator Variables). *Religion and Communication* 31 (1): 209-236.
88. Steyn, G. 2018. Architecture and Identity: Colors, Textures and Materials that Speak of South Africa. *South African Journal of Art History* 33(1): 41–65.
89. SUTRIYONO, S. 2021. Peran Dan Fungsi Sosial Masjid Dalam Meningkatkan Kualitas Keagamaan Masyarakat Desa Palalangan. *KASBANA: Jurnal Hukum Ekonomi Syariah* 1(2): 125–141.
90. Taghdir, S. 2017. Explaining the Human Perception Levels and Process and Its Role in the Quality of Creation of Architectural Works Based on Transcendent Wisdom. *Journal of Researches in Islamic Architecture*





5(1): 48–67.

90. Taher Tolou Del, M. S., J. Mahdinejad, and A. Sadeghi Habib Abad. 2017. Recognition of Durability of Sacred Images' Nature in the Iran Islamic Traditional Architecture Based on Identification of The Stable Identity of Iranian Congregational Mosques. *Sustainable Architecture and Urban Design* 4(2): 17–30.

91. Tamis-LeMonda, C. S., N. Way, D. Hughes, H. Yoshikawa, R. K. Kalman, and E. Y. Niwa. 2008. Parents' Goals for Children: The Dynamic Coexistence of Individualism and Collectivism in Cultures and Individuals. *Social Development* 17(1): 183–209.

92. Tang, Y. 2015. The Coexistence of Cultural Diversity: Sources of the Value of Harmony in Diversity. In *Confucianism, Buddhism, Daoism, Christianity and Chinese Culture* (pp.285-290).

93. Tavassoli, M., and N. Bonyadi. 1992. *Urban Space Design: Urban Spaces and Their Place in City Life and Landscape*. Tehran: Shahidi.

94. Todd, R. W. 2011. Analyzing and Interpreting Rating Scale Data from Questionnaires. *Reflections* (14): 69–77.

95. Usman, I. 2020. Revitalizing the Role and Function of the Mosque as a Center for Da'wah Activities and Community Development. *SAMARAH: Jurnal Hukum Keluarga Dan Hukum Islam* 4 (1).

96. Veischi, S., N. Khodabandeh, H. Hakkakifard, and F. Tahmasbi. 2009. Appropriate Methods in use of local Building Materials. *JHRE* 28 (126): 2- 19.

97. Verkaaik, O. 2012. Designing the Anti-Mosque: Identity, Religion and Affect in Contemporary European Mosque Design. *Social Anthropology* 20(2): 161–176.

98. Verkaaik, O. 2020. The Anticipated Mosque: The Political Effect of a Planned Building. *City & Society* 32(1): 118–136.

99. Von Meiss, P. 2013. *Elements of Architecture: From Form to Place+ Tectonics*. EPFL Press.

100. Zahra, F. 2022. Spiritual Aesthetics of Islamic Ornamentation and The Aesthetic Value in Islamic Architecture. *Islamic Thought and Civilization* 12 (1).

101. Zahra, F., and S. Shahir. 2022. Development and Evolution of Palmette Ornament: An Influence on Islamic Architecture. *Landscape Architecture and Art* 21(21): 124–130.

